

In the name of Alla, The beneficent, the merciful

نام رساله 2: معمّا یا چستان غرب؟ (کالبد شکافی ایران هراسی یا اسلام هراسی)

Treatise Name 2: what riddle or puzzle of the West Wondering? (Autopsy of Iran phobia or Islam phobia)

افول قریب الوقوع سرمایه داری غرب ناشی از مشکلات عدول حکمت متعالیه در غرب است ، آنچه ما در این رساله کوشش میکنیم تاسیس باب جدیدی است برای آزمایش ونوآوری های جدید در دانش مفید در قرن 21.

Capitalism's impending decline, it is caused by the problems of the transcendental wisdom in the West, **what we are trying to do in this treatise, the establishment of new windows for testing and innovating through useful knowledge in the 21st century.**

این قسمت مقدمه رساله 2 : امریکا پس از فروپاشی سرمایه داری از خواب غفلت بیدار میشود وبسیاری از انگاره ها ،سیستم ها و سیاست های آن تغییر میکند ودنبال نابیت های حقیقی میگردد

This episode introduces the treatise 2: America is awakened after capitalism's collapse from neglect sleep and will change many of its ideas, systems and policies and go along with truth pure nesses ever.

نویسنده وتحلیل گر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر

Author and analyzer: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

Date: و 1398 خرداد با مصادف 1440 رمضان شبهای قدر may 2019

بدو ضمیمه در آخر این مقدمه توجه شود

این قسمت مقدمه رساله 2 : امریکا پس از فروپاشی از خواب غفلت بیدار میشود و بسیاری از انگاره ها ، سیستم ها و سیاست های آن تغییر میکند و دنبال نابیت های حقیقی میگردد

استدلالات حکیمانه:

اسلام هراسی یا ایران هراسی غرب (Islamophobia or Iranophobia of west) و در راس آن آمریکا برای عده ای ناباورانه ، تعجب آور و حتی شوک آور است ، ولی این یک امر حقیقی در جریانات مفهومی و معنا دار در اتصال مثلث جریان دائمی و مرتبط بین حکمت های "تکوینی ، تشریحی و ابداعات انسانی" است و امریکا در چارچوب متقدرا نه این مثلث شکست بنیادین خورده است، بخشی از دلایل در مقدمه رساله اول تحت عنوان " مقدمه مثلث های مدیریت دانش مفید بر اساس زمین در حال قرمز شدن" از مولف آمده است و در چند مقاله با عناوین مختلف در مورد فروپاشی امریکا و سرمایه داری غرب و بخصوص در مقاله " 100 مشکل آمریکا- ضمیمه این مقدمه است" به مواردی در این مورد پرداخته ام و در همین مقاله پیش بینی نمودم که سرمایه داران امریکا از امریکا فرار میکنند و کشور امریکا را برای ادامه سرمایه گذاری و توسعه کسب و کار خود در صنایع ، معادن و کشاورزی و غیره مستعد تشخیص نمیدهند که اینک این موضوع در حال وقوع است و جنگ های داخلی امریکا خطر آینده است.

Wise arguments:

Iranophobia of the west or Islamophobia and at its head America are for some people disbelieving, surprising and even shocking, but this is a true matter in conceptual currents and it means on a permanent flow wise triangle” genesis, canonical and innovation” and America defeated about in framework this triangle, many reasons about this matter I brought them in introduction under the title of “UKRM-useful knowledge rules management triangles as getting red the earth” from this author and before that I pay attention about this matter like” 100 deficits in America “ article that is appendixes the end of the present article and I anticipated America's capitalists will be running away from America and not susceptible for continue about investment never and this is happening now and civil wars in America is the future risk.

موضوع ایران هراسی غرب و آمریکا که مرتباً فاصله بین ایران و غرب را افزون کرده است و موجب نزدیکی شرق و کشورهای کامله الوادی و حداقل بیطرف با ایران شده است و این جریان در حال گسترش است ، به خاطر این نوع تلقیات و انگاره ها است که بین شرق و غرب فاصله افتاده است و دوقطبی شدن فعلی جهان (Current world bipolarity) به دوقطب اعتماد و عدم اعتماد ، فقر و غنی ، کاخ نشینی و کوخ نشینی ، ظالم و مظلوم ، حق خواهی و حق کشی و نظیر اینها (عدالت خواهی) بین ملت های جهان شده است

که نوع خاصی از تمایز و تجزیه و تحلیل دو قطبی جهان شدن است و هر کدام متشکل از مجموعه ای بزرگ که این مجموعه در تقابل با هم ، گاهی کاملاً متضاد ، گاهی همگرا و هم افزا و با زاویه های که از راه ابزار های هژمونیک حسّی قابل تشخیص نیست ، لذا تنها بسنده کردن به قوه حسّی ، مانع بهره برداری نفس انسانی از سایر قوای هستی شده و قوه های القائی و تمایلات نفسانی در انسان غلبه نموده و حجابی ضخیم بین او و ملکوت عالم قرارداد داده است که این مورد ربطی به البسه و حیثیت های و آراستگی های صورتی نیست به منابع بنیادین دیگری نیاز دارد که در این مقدمه آمده است ، بنابراین قاعده "حسی- ابطالی" امثال کارناب و پوپر غلط است و حسّی محض بودن غلط اندر غلط است .

The subject of **Iranophobia of the west or Islamophobia** It has constantly increased the distance between Iran and the West gradually and has led to the proximity of the East and the most-favoured neutral countries of the world with Iran and this flow is expanding, it is because of this kind of conjecture which space between East and West and having gone current world bipolarity, two-way trust and untrusted, Poverty and rich, Palace sitting and sitting down, unjust and oppressed, right wanted and wrong action, and so on(Justice willing) , between in nations , **which is a particular type of differentiation and analysis of bipolar globalization**, and each one is made up of a large collection in opposition to each other, sometimes quite opposite, sometimes converging and synergically and by many angles those it cannot distinctionable by hegemonic and sensitive tools of America at all , So only the sensation is limited self- sufficient , it prevents the exploitation of other forces in existence by human and inducting and sensual powers of human get prevalence from him and his celestial world, so the "sense-false" rule of the Karnab and Popper is wrong and The false sense of integrity is incorrect.

موضوع توجه به حقیقت ابزار و هژمونیک غرب که از اراده خودشان هم خارج شده است ، علت اصلی شتاب زدگی و یا تصمیم های مخربانه غرب است ، در جریان های حق و حقیقت ، اهل تشخیص نیستند ، برای اینکه محمول عَرْضی (Consigned form) که صورت اشیاء را نشان میدهد ، انسان را از محمول ذاتی (Consigned in essence) غافل میکند ، انسان وقتی قصد میکند برای زیاده خواهی خود ، به محصول قرارداد شده ، مواد ناقص ذات اولیه را اضافه کند (چه بصورت مهندسی ژنتیک ، یا آمیختن مثل آب در شیر کردن ، یا شکر در عسل افزودن و یا بهر ترتیب متقلّبانه دیگر و بویژه در مجردات نظیر شیمی آلی) ذات شیئی را از دسترس انسان خارج میکند (این باب جدیدی است برای آزمایش و نوآوری های جدید در دانش مفید در قرن 21) ، بلکه این ذات از محقق و نوآور ، میل به جدائی و تنفروکراهت داشته و به قول قرآن در سوره بقره آیه 216 برای وی شرّ می سازد ، مثل کراهت نیروهای مزدوج از یکدیگر است ، مثل کراهت از جنگیدن و دفاع از ناموس ملت و کیان کشور در مقابل دشمن خونخوار است .

The topic of attention to the truth that the Western instrument of the west hegemonic tools to has caused they have also left their will, the main reason for the precipitance or destructive decision of the West is, in the right and truth currents, they are not recognized, because the consigned form that shows the face of things, human neglects from consigned in essence , man when he intends for it-self very greedy, get add substances that violate the basic essence to contracted product(What about genetic engineering, or mixing like adding water to milk, or sugar to honey, or any way like this especially into organic chemistry abstractly) , Exits the essence of an object from human availability(**what we are trying to do in this treatise, the establishment of a new windows for testing and innovating through useful knowledge in the 21st century**).

ذات خاص هر شیی ای با آمیختگی با شیی دیگر وجود ذاتی خود را تغییر میدهد و خواص جدیدی رامفید یا غیر مفید بوجود میآورد ، در رویکردی که ما بحث میکنیم (یعنی ساختن اشیاء مضر و غیرمفید) ، در قرآن نوعی کم فروشی و یا غش در محصول یاد شده است آیه 1 سوره مطففین " وَیَلُّ لِّلْمُطَفِّفِیْنَ " (Woe to those who give less [than due]) و در نگاهی عمیق تر حداکثر سازی به نفع خود ، بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران ، یک دزدی پنهانی است ، **اگر کسی این مراتب حکیمانه را نمیداند ، حق ابداع و نوآوری ندارد** ، این درسی است که هستی جهان بما میدهد و عقل ، نیت قلبی ، وجدان و باطن سالم انسان ، مُهر تائید بر آن میزند ، هر کجا که ما از قاعده " تکلیف ، حقوق ، صدق " یاد کردیم ، منظورمان از صدق (Truth) همین مطلب است، یعنی تجلی حق و حقیقت است (چنانکه میگوئیم صدق الله علی عظیم و رنگ خدائی به معنی هم تصدیق شدن با خالق است) که عین تحقق حق الیقین است، که مفت به دام نمی افتد و ناز شست مفت خور نمی شود ، آب در شیر سیل میشود ، رمه را میبرد و با غیر خودش هم سنخ نمی شود.

The essence of everything by mixing with another it changes its intrinsic nature and getting of new properties makes it useful or useless, in the approach which we discourse about it (that is, the creation of harmful and non-useful objects), it is remembered in Quran some kind of selling underweights or faint in the product” Woe to those who give less [than due]” and a deeper look at maximizing your benefit, Regardless of the rights of others, it is a secret robbery, **if anyone does not know this wisdom , there is no right to innovate**, this is the lesson that the universe gives us and reason, Cardiac Intensions, Human Health consciousness confirming of stamped it, wherever we refer to the rule of "duty, rights, truth" we mean the truth of this issue, that is, the manifestation of right and truth that is certitude right for all , that does not catch a trap and cute thumbs do not get stuck, water is flood in the milk, takes the flock and not with the other.

از عجایب این ترفند های ظالمانه اینست ، اگر کسی مال کسی را دزدید ، پس از دست گیری سارق ، مال را از وی گرفته به صاحبش برمیگردانند ، ولی وقتی یک هکر (hacker) ، یک بازی کننده با ریاضی ، یک مهندس ژنتیست (Genetist engineer) ، ذات شیئی ای را تغییر داد ، قدرت برگشت و جبران ندارد ، کسی داروی سرطان را درست کرده و هزاران را مبتلا به سرطان کرده است و خودش هم میداند این را با دستوراربابان صهیونیستی درست کرده است ، دانش مفید قدرت پیشگیری این جرائم را به انسان میدهد ، این قدرت آینده اسلام است و ایران هراسی و اسلام هراسی یعنی این :

It is surprising of these oppressive gamesmanships, if someone steals something, after the arrest of the burglar, returns the property from him to his owner, but when a hacker, a math-like actor by math, a genetist engineer, the essence of the object was changed, there is no power to return, someone has carcinogens and thousands have been infected with cancer and he knows well is done by the Zionist authorities, the useful knowledge of the power of preventing these crimes is given to humans ,this is the future power of Islam, and Iran is the **Iran phobia or Islam phobia** of this:

kayhan.ir/fa/news/.../پاسخ-به-۲۳-پرسش-در-باره-محصولات-تراریخ

چنین محصولی در ابتدا دشمن و نابود کننده خود سازنده است ، دستگاه حسّی انسان قادر به تشخیص اشیاء ضد دشمن اشیاء اصیل نیست ، چشم ما قدرت بصیرت و گوش ما قدرت شنیدن خیلی از اصوات را ندارد ، روزی میفهمد که اصل سرمایه داری از بین رفته است(مثل کمونیسیم) و خودش مثل فقیران امروز جهان ، دنبال یک لقمه نان میگردد ، این فرمایش حکیمانه در سراسر قرآن فراوان است و خداوند متعال صادق ترین و مهربان ترین یاور انسان روی زمین است" صدق الله العلی العظیم، خداوند فرمود : رنگ خدائی بپذیرید، و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر؟! ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾ بقره، آیه 138، رنگ های غیر خدائی ، اگر چه صورت و ظاهر زیبا هستند ، ولی گول زننده و رسواکننده است !.

Such a product is at first a self-constructive enemy and destroyer, the human sensory device is not capable of detecting anti-object objects of original objects, our eyes, our insight and power, do not have the power to hear much of the sounds, one day it becomes clear that the principle of capitalism is gone (like communism) and himself like the world's poor today, follow a batch of bread....

مشتری این مراتب حکیمانه کم است (اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ - سوره سبأ، آیه 63) ولی بر عکس ، مشتریان وفادار بیمارستان ، زندان ها و دادگاه ها فراوان هستند ، چون بر خلاف حق و حقیقت و قواعد دانش مفید رفتار میکنند، به بعضی اعتبارات دنیوی و مزیت های نسبی ، دل خوش کرده اند ، دلبستگی هائی که موجد آشوب ها و سونامی ها شده است ، لذا بدین وسیله ، انسان از اعلی علین ، راهی اسفل السافلین شده است(قرآن)، بجای آنکه آینه معنا و صورت گر روح خدا شود که در او دمیده شده است

، با شیطان معامله کرده وبا مراتب عالیه خود در حال جنگ وستیز است ، برای همین است که انسان جاهل ، اعظم ظالمین به خود ودیگران است ، این جهل ونادانی باید با حکمت متعالیه برچیده شود ومرتکبین به نحو ضروری ، تنبیه شوند ، لذا رویکرد کلی مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) نگاه به بیرون (Look out) است، یعنی وقتی یک انسان سفره خود را پهن میکند ، سوال میکند؟ ، آیا همسایه ما دارای آذوقه است؟ ، ایرانی وقتی به کشورهای فقیر مثل آفریقا ، یمن ، میانمار و صدها مورد دیگر نگاه میکند ومی اندیشد ، در فکر چاره برای نجات آنها می افتد، توجه جهان را به خودش جلب میکند، این خصلت ایرانی واسلام است ، اینست معنی جمهوری اسلامی ، اینست دلایل ایران هراسی که خود دواى نجات بخش غرب است.

This is a wise little customer (O family of David, in gratitude." And few of my servants are grateful. vers 13, Sura SABA), but on the contrary, there are abundant loyal customers of the hospital, Prisons and courts, because they are contrary to the truth and the rules of useful knowledge, they have fun to some worldly credits and relative advantages, attacks that have caused turbulences and animosities, so by doing so, the human being of the highest rank has come to lowest rating (Quran), instead of mirroring the spirit of Allah that he is blown in get deal with Devil, it is war faring against self-great rank, that is why the ignorant man, the great offenders are to themselves and others, this ignorance must be dismantled with the transcendental wisdom, and punishment is urgently required, so the overall approach of UKRM is to look out, That is, when a man spreads his table-food, he asks? Does our neighbor have food?, Persia when he looks and thinks to other countries like Africa, Yemen, Myanmar and hundred other cases, they are thinking of a solution to their salvation, get attracts the attention of the world, this is an Iranian and Islamic character, this means Islamic Republic of Iran, these are the reasons for Iran's fears that save the West.

غرب از این حقیقت دور است ، حالا که خداوند متعال لطف کرده قوم متمدن وبا فرهنگ ویکتا پرستی (نظیر ایرانیان) را مامور این تحول وتغییر جهانی کرده است وتاج افتخار بر سر ایرانیان نهاده است ، لقب تروریست میگیرد ، فکر میکند دست تقدیر این مجال را به امریکا میدهد که بیان گفتارهای زشت وحشیانه خود را ادامه بدهد ، اگر به فرعون ؛ نمرود وقدرت های جهان در تاریخ مبارزان حق با باطل مجال داده شد ، پس به سران امریکا هم داده میشود ، این موضوع **بما مجال دیگری برای تفکیک مفید از غیر مفید** میدهد ، آینده جهان برای تخصیص های نوینی در این **تفکیک سازی آماده شده است** وجزئی کردن علوم به سلايق دانشگاه ها ومتخصصین فعلی بر چیده میشود، بلکه براین اساس ، شاخص ومعیار جدیدی تدوین میشود ، که به طبیعت وانسانیت نزدیک میگردد، دادگاه ها ، بیمارستان وزندان ها بشدت

خلوت شده و به آسایشگاه های عمومی تبدیل میشود ، این حرکت جوهری جهان است که تخصص ها و مشاغل آینده جهان را رقم میزند.

The West is far from this truth, now that Allah Almighty has pleased and a civilized and cultured people (like Iranian) and gives them mission for changing the world and the honored crown is given to Iranian's head, America is dubbed "Terrorist" , America thinks the hand gives the United States the privilege which will continue to express their brutal ugly speeches? If allowed to Pharaoh, Nimrod and other powers in the history of right fighters by void, so, it is also given to American leaders; **this subject gives us another opportunity to make a useful separation from useless, future of the world is ready for new allocation in this separation.**

ولی ما حقایق دیگری میدانیم و آن مروری به تاریخ مبارزات حق علیه باطل است ، مگر فرعون به نصایح حضرت عیسی گوش کرد ؟ آیا نمرود به اندرز های حضرت داوود توجه کرد؟ مگر امپراطوری روم به سخنان مسیح (ع) اعتناء نمود و صدها مورد دیگر ، آنها وقتی به حقانیت سخنان پیامبران پی بردند که در حال غرق شدن بودند!، این موارد مطروحه قابل تامل است. حرکت جوهری اجسام در طبیعت و مصنوع اعم از جزئی و کلی جز مسلمات در نزد حکمای قدیم و جدید است و براهین واضحی دارد و قابل نفی نیست و در عوارض هم اثر گذار است اگر چه اجسام از انقسام غیرمتناهی هستند در حرکت جوهری و نمی توان با اینگونه ترگب ها را با بعضی صغرا و کبرا ها معدوم کرد و حرکت موضوعی نیست که درکل باشد و در جزء نباشد ، هر کلی یا مرکبی ، اجزاء خودش را دربر میگیرد در هویت و عوارض ذاتی و مساوی و نافذ و موثر و فی نفسه ، تصدیق این موضوعات با ساختارهای سیاسی حکومت ها تغییر نمیکند، نظام حسی- ابطالی و سیستم عصبی - مغزی در حکم "خدا بودن" در نزد غرب است (العیاذ بالله- جزء اهل معرفت موجود در غرب که این هم خدا داده است) ، ولی مغز انسان همه چیز انسان و هستی نیست ، زنجیره های نهان که سلسله جنبان جهان ما شده است ، با این ابزار ها شناخته نمی شود .

But we know other truth and it is a review of the history of right-wing struggles against falsehood, did Pharaoh listen to the advice of Jesus? And did Nimrod pay attention to advice of David? If did empire of Rome pay attention to the speech of Christ (AS) and hundred other cases, when they found these facts who were drowning! These restated cases are deliberately, essential moving of objects in nature and mustache except for the wisdom of old and new wisdom including minor or total, And there is clear evidence that it is not denied and it also affects complications and Motion is not a subject that is in its entirety and is not in the component, each general or compound contains its own components, Confirmation of these issues does not change with the political structures of the state at all!

امریکا و هم پیمانان او که در بسیاری از معاهدات منطقه و بین المللی در حالت جدائی هستند و ضمن اینکه رسم اطاعت از رهبری آمریکا را مخدوش نموده اند ، برای اینکه از قافله تمدن غرب عقب نمانند ، به این مسئله " ایران هراسی " هم نوازی میکنند ، هم در حال فرار از مصائب منبعت از آمریکا هستند و هم خود را هماهنگ نشان میدهند ، با یک دست پس میزنند و با دست تحویل میگیرند ، لذا همه آنها فشارهای سخت و بی سابقه ای بر ایران از جهات مختلف وارد کرده اند که خود این تحریم ها (که مثل جنگ تحمیلی کل غرب بر ایران ظالمانه بود) باعث پیروزی های چشم گیری در فتوحات جنگی ، تقویت و اعتلای استعداد قدرت دفاعی ، حرکت بسوی خنثی سازی مدبرانه تحریم ها و گشودن پنجره های جدیدی از جانب جریان های الهی و مکنونات و مقدرات و محدثات از خلق زمین و سماوات و شمس و قمر و نجوم که از کرامات اولیاء الله و معبر حکمت متعالیه شامل ایران اسلامی گردید، که نشان از لطف مقدر الهی است . (خوشا بر صابران، فاصبر ، صیراً جمیلاً) .

این شمول گسترده موجب شده و علاوه بر خنثی شدن سموم تحریم ها ، تدبیرهای جالبی را موجب شده است که در 300 مقاله این مولف آمده است و اگرچه همان جریان سرمایه داری مشکلاتی را توسط غرب زدگان و چپاول گران داخلی بوجود آورده است و موانعی را بر سر راه توسعه پایدار قرار داده است، لیکن این فراتقلاب حکیمانه مقدر نموده، این امواج وسیکل های آن ، حاکی از بوجود آمدن استعداد های خاصی باشد که با دست خداوند متعال در یاری رساندن به کیان ایران و اسلام بطور معجزه آشکار شود، اینکه عدالت بر شمشیر و ناوهای جنگی پیروز میشود ، جایی دیگری تقدیر میشود ولی طرح تفکیک حق و باطل ، داخل و خارج ندارد ، نگاه بصیرتی ربطی به یک شخص محقق آمریکائی و یا یک ایرانی که تیشه به ریشه کیان کشور و اسلام میزند، ندارد ، مربوط به تفکیک حق از باطل است ، سربازان ناجی حق در هر زمان و مکان هستند ، به مهاجرت و اخذ روادید احتیاج ندارند .

ایران یک هیمة و سیطره ای پیدا کرده که ملهم از ابزارهای مدل های " حسی -ابطالی " نیست که در در این مورد مقالات و نوشته های فراوانی از این مولف با عناوین لازم و بموقع تحریر و منتشر شده است (www.elmemofid.com) و پافشاری نموده است که اصرار بورزد ، ایران آنجائی که به فرضیات و مدل ها و شیوه های غربی عمل میکند و از مثلث های علمی و فنی غرب در علوم انسانی و مدیریت تقلید مینماید ، باخته است و لذا جریان دیگری از مکنونات الهیه و سرائر ربوبیت و ظهور صور اعیانی این راز و رمزها بروز کرده که ربطی به اعتقاد من و شما ندارد و این از باطن اکوان و جلوه های ابداع بر حسب تکالیف به اشخاص صالح و حق خواه مربوط میشود، ربطی به سن و سال اشخاص ندارد، چه مدیران بر این راستا گام بردارند و یا مانع تراشی کنند ، این استعدادی است که خدادادی مثل طبایع طبیعت ، گردش منظومه ، وقوانین هستی که که هرکس در راستای آن باشد برنده میادین آزمون است ، خود پیش برنده مردان و زنان حق است.

Iran has found a cluster that isn't inspired from sensual-falsehood models, Iran, where it acts on Western assumptions and follow from the west was lost, and this is the talent God has given to Iran.....

ابزار های غربی و سیستم های محدود دستگاه حسّیّ این مقام مدبرانه و این سبقت قهرمانانه را در میادین عمل نمی شناسد ، عمده قدرت و نیروی بکار برده امریکا این بوده که مشاهده میکنید و نهایتاً آغاز گر جنگ جهانی سوم شده که بدین وسیله سند نابودی خود را مُهر و امضاء کرده و این ریسمان نازکی که ملحق نگه داشته است ، پاره میشود ، 49 میلیون نفر گرسنه آمریکائی ، 24 میلیون معتاد در خیابان های آمریکا ، 2.4 میلیون زندانی در زندان های مخوف آمریکا ، و آزادی اسلحه حتی در دست بچه های دبستانی ، قیام سیاهان خشمگین در آینده نزدیک، فاصله درآمدی و بالا بودن ضریب جینی و 100 مشکل اساسی از زبان محققان و اندیشمندان آمریکا و بدهی سرسام آور که بهره هر ثانیه آن از حقوق یک استاد دانشگاه فزونی یافته ، و مصائب مبتلابه دیگر ، قدرت و استعداد تدبیر عقلانی و حکیمانه و خدا پسند را از امریکا گرفته است و تحریم و کشتن دانشمندان و این گونه حيله ها ، غیر قابل اعتماد بودن و سلطه گری وی را برای مردم و دول جهان آشکار کرده است ، یعنی هر قدمی که آمریکا و هم پیمانان وی برای تخریب ایران و یا مناسبات ایران اسلامی در جهان بر میدارند ، یک عقب گرد و به قهقراء رفتن محسوب میشود .

The western tools and limited sensory device don't understand it's the skillful leader and heroic over taker in action field, the great power and power of the US has been to observe and eventually the war III begins and this tiny string that has been joined is torn, 49 million hungry Americans, 24 million addicted in streets of America, 2.4 million prisoners in terrible prisons America and freedom of arms even into children ,s hands , An angry black rising coming near, income gap and high Gini coefficient and 100 basic problems if America from researches and wises and a tremendous debt that increased every second by the salary of a university professor and other sufferings, the power and intelligence of the rational and authoritative strategy has come from the United States.....

چاره ای هم نیست ، این تصمیم در جای دیگری مقدر شده است ، صحبت از صلح و آشتی و ملاقات و نظایر اینها ، یک حيله دیگر و یا یک باور ساده لوحانه از سوی غرب زدگان است ، این جریان را نه ما ساختیم که بیاییم جمع اش کنیم و نه می توانیم جلودار این سونامی توفنده باشیم ، کار غرب بازی با ما است ، بازی است که مثلث " صهیونسیم ، آمریکا و سعودی " طراح و حادثه ساز آن هستند ، امور جاری با بیانیته ها و گویش ها با چنین نیاتی پسرفت و پیشرفت دارد ، این حرکت سینوسی ، مثبت و منفی شدن آن ، مثل جنگ های نامتقارن قرن بیستم است ، خرابی بارمی آورد مثلاً چند تریلیون مارک اریش آلمان معادل یک دلار آمریکا میشود ، که فقط ببرد سوختن در منقل های خانه ، در سرمای زمستان اثر داشته است (حالا پول ایران به این ذلت نیافته است ، اگر چه هر دو اسکناس دلار و تومان ارزش ذاتی و پشتوانه ندارند) ، مسئله اینست که اصلاً دلار خاصیت معاملات را در این جنگ تجاری ندارد ، تهاتر و هم ارزی کالا و خدمات دارای ارزش ذاتی است که خود مسائل را حل و فصل میکند.

It is not any recourse, this decision has been devised elsewhere, talking about peace and reconciliation, meetings, and so on, it's another trick or a naive belief

from the West, we did not create this flow, let's sum it up and no, we can crash this tsunami, the action of west is playing by us.....

بحث روی حرف های ترامپ و کد کردن به حرفهای وی و همکارانش ، یک سرگرمی سیاسی است ، من نمی گویم راه گم کردن است ، کار اصلی قلمداد نمیشود ، مثل اینکه یک دیوانه سنگی بر میدارد و شیشه ساختمانی را میشکند ، مردم جمع میشوند ، تماشا میکنند و پیرامون نوع سنگ و مراتب سنگ زنی به شیشه ساختمان بحث و گفتگو میکنند ، بلاخره یک تفریح و سرگرمی محسوب میشود ، ربطی به فهم نیت ، عمق و مایه های اصلی این حادثه ندارد ، مسئله گیر کردن در همان الفبای زندگی است ، که با سرگرمی های رایج ، کسی نیازی نمی یابد که الف را رها کرده و به سراغ ب برود ، آنها که این مراتب را فهم کرد ، دچار سکوت لام تا کام میشود ، تا خداوند چه مقدر کند و از " فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا - آیه 5 سوره معارج " نشئت میگیرد، نگاه کنید اینها مایه های بنیادین زندگی میلیارد ها انسان روی زمین است، ظرفیت بزرگی است که آفریده شده است!، خداوند دوستان خود را به سختی حافظ است.

Discussion about Trump, s speeches and his colleagues, it's a political pastime....

غرب در قرون اخیر خیلی چیزها از دست داده است ، یک چیز هائی گیرش آمده که حافظ اون نیست ، حتی حافظ کره زمین ، کیان آب و هوا ، سلامتی انسان ها و طبیعت ، رافع فقر و ناتوانی های بوجود آمده در زندگی بشر و صدها مصیبت دیگر نیست ، غرب بسیار دست خالی است که در خلاء ایده ها و آرمان های گذشته خود ، سیر میکند، مثل آدم خواب آلودی است که دوست دارد در کنش های غریبانه خود خلاء زدائی کند ، نیاز به کمک جدی دارد ولی غرورش اجازه نمیدهد ، این لطف الهی را معطوف به خودش کند ، از نظر این نویسنده ، از موضوعی میترسد که فهم و قبول ذاتی هویت و ماهیت آن ، نجات دهنده او از این گرداب هولناک است ، لیکن در این ادبیات استعلائی که ما دنبال میکنیم ، توفیق هم از جانب خداوند متعال است ، کسی را لایق این مقام عظمی نیست، مشمول توفیق سعادت دنیا و عقبی نیز نخواهد شد .

The West has lost a lot in recent centuries and there is one thing to keep in mind that keeper it.....

حکمت نظری دارای سه بخش طبیعی ، تعلیمی و الهی است و این بحث در تمام ابعاد عملی به مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) منتهی میشود و فلسفه اولی در این بخش دایر مدار این مدیریت است ، چون هم از الهیات که انیت و ذات (in essence) حق تعالی است و هم بنیان هر علم دیگری است که در آن تاویل جستجو میشود، تاویل و نیل به صدق اشیاء خارج از استعداد علوم حسّی است و صدقیت صدق که مربوط به اثبات واجب و تمیز حق از باطل میشود را نمی توان تنها با قانون علمی محرز نمود و به امور تشریحی نیاز دارد و حکمت عملی تحقق حق است به عنوان ماده حقیقت و مراتب عین الیقین و حق الیقین را در بر میگیرد ، و هر دو حکمت نظری و عملی نیازمند این دو حکمت هستند و نه فقط با دستگاه حسی محض و یا عقل محض که کافی به انیت و یقینت و تصدیق صدق نیست ، این موضوع به عنوان دستورالعمل برای استارت آپ ها ، شرکت های دانش بنیان ، محققان ، کاشفان و نخبه ها خبرگان و دانشمندان میان رشته

الزامی است منظور از انیت تحقیقات عینی وسایر ملزومات صدقی آنست و این مرتبه باید اثبات شود. این الگوی معرفتی در حال پیشرفت است... وگشایشگر رمز و راز های معمای غرب

Theoretical wisdom has three parts: natural, educational, and religious, discussion will lead to all practical aspects of UKRM and superior philosophy is running of this management in this sector, because theology is right in essence of Allah and it is also based on for any sciences, which is searched for paraphrase, paraphrase and reach them is the true truth of things beyond the senses of sensual science,.....

خداوند مشی ما را در انیت و یقینیت تا نیل به صدق به طبیعت معطوف کرده است مثل مورچگان، موریانه، زنبور عسل، حیوانات و درندگان و گیاه و گل که لیست آن در دانش مفید مهیا است، خدای کریم انسان را در هزار و چهارصد سال قبل به شناخت جانوران، اسرار زندگی و شگفتیهای خلقت آنها توصیه کرده است و بی حکمت نیست که برخی از سوره های قرآن به نامهای بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت، علق و فیل موسوم است، رساله تموجات طبیعت که در دست تهیه است، از بی نهایت و بی کرانه بودن جهان هستی از کل تا جزء سخن میگوید، غرب بلد بوده این بی نهایت را در تنهایی های ذهن خود قالب سازی کرده و به آلوده کردن آنچه در دسترس بوده ظالمانه عمل کند، نسیم را به سونامی تبدیل کرده و طوفانی بنیان کن ساخته است و زمین را از گرمای فرّوبنفش به خارتبدیل کرده و درختان تا پرندگان کوچک اندام زیبا را به آتش بکشاند، اقیانوس ها و دریا هارا آلوده کرده و تا جای ممکن به سود خود تاراج نموده است، زمین که منزلگاه دنیوی آدم بوده است به زندان تبدیل شده و سفره 70 در صد مردم دنیا، خالی از نان و مواد غذایی کرده است و این خوان کرم الهی را در ظرف سرمایه داری خود، متعلق به خود دانسته است ما ظلمی از این وحشیانه تر نمی شناسیم.

Translate please

آمریکا علوم الهی را با سکولاریسم خود نه فقط از سیاست بلکه از ماهیت کل علوم محروم ساخته، علوم طبیعی را آنطور که منافع سرمایه داریش حکم میکرده است و فیلسوفان بدکردار و آراء ماکیاولی غرب (به مقاله از این مولف بهمین عنوان مراجعه شود) به رشته ها و واحدها ئی بخش بندی کرده است که بازار قرمز و بی رقیب بسازد، صنایع را محور اصلی آلودگی آب و هوا قرار داده و هیئت را آنطور که خدازدائی کند انشاء نموده و علوم مجرد نظیر ریاضی، شیمی آلی و غیره را مدل بازی ها و سرگرمی ها خود قرار داده است (به مقالات جداگانه در این مورد از این مولف مراجعه شود) و این در حالی است که پاکان باید با مجردات کار کنند و از تفسیر حقیقی مطلع باشند و نه کره زمین را آلوده کنند که کرده اند و از موضوعات مهم در دانش مفید در قرن 21، علم الهی مخصوص بحث در مجردات را بیاموزند و این بحث مستغنی از ماده شناسی است

در صفحه 17 کتاب حکمت ابوسینا (تالیف علامه حائری آمده است که این سینا فرموده است" که نفس کامل بعد از قوت بدن شبیه عقل میشود و در این عالم میتواند تصرف کند" درستی این سخن عمیق در

عمل و صدق گفتار با قاعده " تکلیف ، حقوق ، صدق " ممکن است که باید چگونگی آن در مدیریت جامعه ساری و جاری شود و چپاول گری ، رشوه دادن ، رانت خواهی و تضییع حقوق عامه مردم ، حیثیت ذاتی و موثر خود را منعکس نمیکند ، این بیانات دلچسب که در حکمت های متعالیه بیان شده است دکان تضارب افکار بعضی فلسفیدن راحت طلبان را موجب شده است ، روزی را هم که خداوند عزوجل میدهد ، از حیث علم و عمل صالحه " کما هو حق عندنا " مضبوط است می ماند نزول انوار و رحمت منبعث از این علم و عمل برای احاد مردم ، که با این سبک و سیاق به آنها افاده نمی شود بلکه نتیجه آن به غرب مصادره میشود و ناپاکی ها جلوه گر شده و مثلث مشتریان وفادار برای " بیمارستان ها ، دادگاه وزندان " رو به فزونی میگذارد، دین و اسلام و حکمت و این زیبا گوئی ها برای یک عده خاص نیست (رساله خاص و عام از این مولف) که فقط در مجالست های نوع کلیسایی مرسوم است

Translate please

در رساله مجردات آوردم که استفاده صادقانه از مجردات نظیر ریاضی ، پاسخی مصدق دارد و اگر آمار و دیتا تقلب در آن خورانده شود ، جواب کذب و خوش آید صاحب قصد باطل پسند را میدهد ، سر مجردات که نمی توان کلاه گذاشت اگر این اصل را در لیست مجردات بپذیریم ، همان میشود که حکیم علامه طباطبائی (ره) فرمودند " هر کس میداند چکاره است " به رساله من تحت همین عنوان مراجعه شود ، این اصطلاحات عالمانه بخود و خواص بخورائیم و مرتب بگوئیم " قل رب زدنی علما " و این چنین دریافت در نفس کنیم و از لاهوت ، جبروت ، ملکوت تا ناسوت در نوردیم و در کیفیت معاد و توحید عرفاء شهره خاص و عام شویم و به ارتسام عینیه در احساس خود بکوشیم و چنین بین خود و این عوالم اتصال ایجاد کنیم ، واقعاً عزیزان خوف دارم از هجمه ای از همین عوام به کلیسا شد روزی بر مساجد ما وارد شود ، وای به روز چیرگی دشمن خون خوار که از هیچ ستمی بر ما فروگذار نیست ، چپاول گر این مراتب قدسیه را به استهزاء و بازی و شوخی گرفته و مراتب ناپاکی خود را در دکاکین موجود اشاعه میدهد!

از مناسبات نیکو در این کتاب ، جدا سازی در مثلث " بین حقیقت ، کرامت ، نیرنگ و شعبده " است که اگر چنین شد ، تصرفات باطنی بر عوارض ظاهری از حرکت ، موج ، جریان ، تبدیل و تغییر حاصل میشود این دیگر شعبده بازی مبوط به عالم قدسیان است ، حد جزئی رفتن عمل و صدق است این مراتب در دانش مفید تازه است منظورمان از صدق مفید موضوع منفعت و خیرات آن است که کل عموم را در بر بگیرد و فرجامی سعادت بخش برای جامعه داشته باشد و این ها نمی شود مگر با قوت و استعداد قواعد دانش مفید مثل حقوق متقابل و منافع متقابل که موضوع حکمت عملیه است ، حکمت عملیه بر مبنای رشد و توسعه علم و دانش ، ماهیت استعلائی خود را برتر و متعالی تر میکند ، قواعد و احکامی نظیر حقوق متقابل ، بر حسب رشد و توسعه علمی و فناوری ، از بساطت گذشته به وسعت و جزئیات بیشتری ورود می کند و مداخل آن افزون میشود و تقارن ها ی آن تنوع بیشتری پیدا میکند ، و ابزار محاسباتی آن از دقایق بیشتری برخوردار میشود ، غرب در شرایط فعلی از کشف و بکاربری ضرورت آن ناتوان است ، در شرایط فعلی غرب سنتی تر از شرق درگیر آموزه های کهنه ، غیر مفید و اوهامی خود است که ملکه ذهن گذشته و او را بشدت بسوی قهقراء میبرد ، باید لاحق شناسی کند و از سابق مفید تاریخ بهره بگیرد و براهین آنی ، لمی و قواعد جدید را بیاموزد برای اینکه دانش مفید ، علم سعادت (Science of bliss) است.

غرب آنچه از صوت ، تراوش و تصاعد های حسی ، از راه گوش ، چشم ، لمس ، استشمام و یا ابزارهای مربوطه درک میکند، بسنده کرده و علوم و فنون خود را بر مبنای این یافته قرار داده است و اینست عقب مانده هویتی غرب ، هنوز نمیداند یک دانش تجربیدی با دانش بسیطی چه تفاوت هائی دارد و یا فرق بین واقعیت و حقیقت چیست؟ و یا آنچه حقیقت را آشکار میکند چیست؟ علوم تجربیدی دارای حیثت و مشیته است که با دست اندازی های انسانی ، مفیدیت خود را کتمان کرده و مکرهای خود به انسان و جامعه تحمیل کند این از مفاهیم عالییه دانش مفید است، موضوعاتی نظیر ریاضی ، هندسی ، ذوات طبیعی اشیاء و طبیعت ، انسان و نظایر اینها باید از تراریختگی مصون بماند و برای آنها قانون وضع گردد ، وضع قوانین علمی و فنی به مرکز با ساختاری و ماهیت دیگری نیاز دارد که مستقل از تضارب فکری و مجادلات لفظی و چانه زدن های متعارف دستگاه مقننه است که نظیر این الزامات منطقی ، مبرهن میسازد که استقلال دستگاه تقنینی با این شکل و ماهیت فعلی فایده برای جوامع بشری ندارد (رساله وحدت ساختاری قوا در نظر و عمل از این مولف) کارائی علوم بسیطی مطالعه شود.

صورت فنی و مهندسی باید با صورت طبیعی تطبیق کند و تضاد نداشته باشد اعم از کل تا جزء از ماهیت اجسام کلان تا ریز و آلیاژ ها و ترکیب و پیوند ها ، در این صورت علوم و فنون مفید داری سلطه قسری و قهری است و مطابق مکونات الهیه موثر است و نیازهای حقیقی مردم را ارضاء میکند و این مسیر و مراتب از ماهیت سازی و ساختار سازی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، دایر مدار آینده در UKRM است و نخبه و خبره ، محقق ، مکتشف و مخترع ، مبتکر و خلاق بر این مبنا به قاعده " تکلیف ، حقوق و صدق " ملزم میشوند ، امور جهان جریانی و در حرکات نظم یافته جریان دارد که بخش کوچکی آن شناخته شده است ، این موضوع در فلسفه و احکام قرآنی قابل فهم است برای اینکه این تنها هوش شما نیست که به شمار یاری میرساند ، هوش موجود در عالم در هر چیز ، به کمک شما می آید و برای شما پنجره های لازم را میگشاید.

ما باید طبیعت را آنطور که ذات و هویت آن حکم میکند ، بکار بگیریم و حق نداریم بر حسب ، حق کثی ، نظریات ماکیاولی ، خواستگاه صهیونیسم جهانی ، ادیان باطل چون بهایت و وهابیت ، به دست اندازی ، ساختن محصولات سرطان زا و کشنده سلول های بدن ، تخریب محیط زیست ، هوا و فضا و چپاول گری مهیا کنیم ، این موضوع بمنزله " نهضت علمی و فنی جهان به نفع طبیعت و موجودات آن و بویژه انسان است " از اینکه این امر مهم مورد غفلت جهانی قرار گرفته است یک گناه نابخشودنی است که از سوی خداوند متعال در حال انتقام گیری آنست.

بدون توجه به مراتب فوق ، حل و عقد های اجتماعی ممکن نیست که به نفع جوامع بشری باشد و هر روز ما با مصائب جدیدی در این مورد روبرو خواهیم شد ، ما چاره ای جزء قبول فلسفه اولی نداریم و گرنه با مکرهای گوناگون از سوی زیاده خواهان و غارت گران روبرو هستیم ، سمومی وارد علوم و فنون شده ، که مرگ تدریجی فعلی انسان را تشدید میکند و جای امنی برای زندگی بشر در کره زمین یافت نخواهد شد ، مواضع صریح ما روشن میکند ، چرا غرب از ما هراس دارد ، موضوع ارز ، موشک ، اقتصاد و اینگونه تفسیر ها و تعبیر ها نیست ، موضوع مرگ سرمایه داری در اوایل قرن 21 است که فرقی نمیکند در ایران باشی و یا آمریکا ، چون این گونه موضوعات در کره زمین به ایران و آمریکا قابل

انقسام نیست ، مسائل ذاتی است که کل کره زمین را در بر گرفته است ، لذا مفهوم علم به عوارض ذاتی اتکاء سخت و مقوم دارد ، و این عوارض ذاتیه ، فلسفه اولی و الهیات را به جزئیات علمی و فنی مرتبط میکند و این ارتباط ماهیت ها و ساختارها را تغییر میدهد.

اگر این راه را درست حرکت کنیم ، و در دانش مفید بگنجانیم و علوم و فنون را از پراکندگی نجات دهیم و در وحدتی که ملازمه همگرایی و افزائی علوم و فنون است شاخه های این شجره طیبه را با خبرگی میان رشته های آموزشی آرایش میدهیم ، ورشته های مربوطه در دانشگاه ها به وجود آید و برابر یک دکتترین جهانی به اجماع جوامع بشری برسد ، بیماریهای متعدد جهان امروز حل و فصل میشود و گرنه باید منتظر روزگارهای سخت تری باشیم و آینده نگری های انتزاعی و تخیلی ذهنی کاری از پیش نمی برد و آرزوهای دور و دراز سازمانهایی نظیر ناسا یا سیای آمریکا ، نقش کُند کننده و بازدارنده مقطعی خواهد داشت که ضررهای بیشتری را نصیب جهان نموده و ضرر بیشتر و بزرگ تر از آنها خواهد بود.

رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران: **ارتباط بین حکمت دینی و الهی و حکمت رسمی (مثلث) در غرب شکست خورده است**، رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه کشور معتقد است که یکی از آفت های بزرگ که در علم امروز ما که در دانشگاه های ما نیز وجود دارد این است که علم ما آگاه به مسائل و مشکلات روز جامعه نیست.

<https://www.isna.ir/.../ارتباط-بین-حکمت-دینی-و-الهی-و-حکمت-رسم-...>

۵ دلیل برای «افول قریب الوقوع آمریکا»

۱. ۴۰ درصد ولادت ها در آمریکا نامشروع است.
 ۲. آمریکا ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار زندانی دارد.
 ۳. بالاترین آمار مصرف مواد مخدر را دارند.
 ۴. ۳۱ درصد تیراندازی های جمعی در آمریکا است.
 ۵. ۴۱ میلیون آمریکایی دچار گرسنگی هستند.
- www.shafaf.ir/fa/news/.../۵-دلیل-برای-افول-قریب-الوقوع-آمریکا

ضمانم:

۱. مقدمه رساله مثلث های دانش مفید
 ۲. حدیث کلمه یا معرفت کلام (قصه رقص کلمات)
- ضمیمه مقدمه رساله مثلث های دانش مفید از این مولف:

In the name of Allah, the beneficent the merciful

رساله مثلث های مدیریت دانش مفید (رساله اول)

Thesis of useful Knowledge management triangles (UKMT)

بر اساس علم وقواعد دانش مفید ، برای فهمیدن وفهماندن ، برای اینکه کسی کلاهت را بر ندارد

Basis on useful science and rules of useful knowledge (RUK) for understanding and to make understand, because anyone does not fraud your hat

این قسمت: مقدمه مثلث های مدیریت دانش مفید بر اساس زمین در حال قرمز شدن

This part: the introduction of useful knowledge triangles (UKMT) and basis on the earth is reddening now.

نویسنده اثر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر

Author: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

مقدمه

مثلث دانش غرب مطلب تازه ای نیست ، این یک روش آموزشی با همان مدل های قبلی در علم و تکنولوژی است که در قالب مثلث های صوری ، صورت عوض کرده است ، ولی من محتوای مثلث ها را از هستی شناسی دانش مفید تنظیم کردم ، برای رهایی غرب از تحدید حدود وین بست های فعلی در جهان ، منتظر مطالب بعدی من باشید مثلث دانش مفید یک مفهوم جدید است ، این مفهوم چالش جدیدی در جهان ایجاد میکند و راه حل میدهد ، یادتان باشد بزرگترین چالش بشرونیروهای پنهان، در قالب نصایح ، مدل ها ، روش ها و یا بازی با ریاضی است ، در قدیم حکما، این طرق را بکار نمی بردند، جز رمال ها و طاس انداز ها ، حالا این رویه دانش بنیان شده است !.

The West Knowledge Triangle is not new; this is a method of training by the same previous models in the science and technology that changed face by other Triangle formats, but I set it up the content of triangles from ontology about useful knowledge, to liberate the West from limiting the limits in the world, wait for my

next post, the Triangles of useful knowledge is a new concept, this concept creates many challenges and get many solutions, dont forget, the Greatest Human Challenge and the Hidden Forces are in Advice template, models, Methods or games with math, in the old days, the intellectuals did not use these methods except eomancies and throw dicers, now this knowledge is based!.

مثال خودم را از بازار قرمزیا سرخ (red market) شروع میکنم که از سال 1934 پایه گذاری شده و اشاعه یافت ، بازاری است که بدلیل فاصله شدید درآمدی مردم ، فاصله زیاد فقر و غنی ، فرضیه عرضه و تقاضا (Supply and demand) شکل گرفته است و مدل عرضه و تقاضا را در اقتصاد نئو کلاسیک از ارزش ذاتی انداخته است ، عرضه و تقاضا در رقابت های خصمانه بی اثر است ، حداکثر سازی سود برای چپاول گران تجاری و حداقل سازی سود برای کسبه و تجار خرده پا و ناتوان یکی از خصوصیات بارز بازار قرمز است ، یکی با تولید انبوه (Mass production) یک بازار انحصاری ایجاد کرده و سهم غالب بازار را به خودش اختصاص داده و ایجاد مثلث" از انبارهای بزرگ کمپانی ، به انبارهای کوچک خانه ها ، انباشت و اسراف کالا و مواد) میکند، هم هزینه انبارداری را به گردن خریدار انداخته و هم مردم را به حرص و تکاثر و انباشت صدها قلم به عنوان مد (Mode) و مارک (Mark) و برند (Brand) ترغیب نموده است .

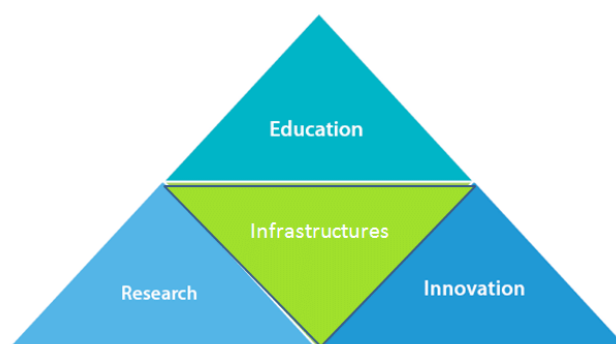
I start my example from the red market that Founded in 1934, it was founded, the market is formed for the reason that of the huge income gap people have, high poverty and rich gap and theory of Supply and demand and fall down the Supply and demand from Intrinsic value, Supply and demand is not effective in hostile completions, Maximizing Profit for Commercial plunders and Minimize profits for weakness businesses and small businesses is one of the characteristics of the red market, anyone by Mass production created a monopoly market and the dominant market share is dedicated to itself and created triangle as” From the large warehouses of the company, to smile stores of people’s homes, Accumulation of goods and materials” , the cost of warehousing has been put to the buyer's neck and also , Encouraging people to greed and accumulate hundreds of pens as mode, mark and brand.

در این بازار ها که بسرعت در حال رشد و توسعه است ، شما فقیرانی میبینید که کارتن خواب هستند (حتی در کشورهای توسعه یافته) و یا دستشان را بسوی شما دراز میکنند و کرامت و عزت انسانی خود را زیر پا می گذارند و زنائی که تن فروشی میکنند و قدسیت و ارزش ذاتی خود را بر باد میدهند ، در این بازارها هزاران اغذیه فروشی ، رستوران ، هتل و کاباره وجود دارد که عده ای پول دار که با دلالی و بست و بند این بازارهای وحشتناک ، به گران کردن اجناس مورد نیاز مردم می پردازند ، در حال خوردن و نوشیدن هستند و کسانی که یک پنجاهم درآمد این غارت گران را ندارند ، سالها نمی توانند با خانواده خود

در این رستوران ها یک غذای دلخواه را میل کنند ، لذا بازاری است عقده ساز ، کینه ساز ، انتقام ساز و... و ثمره این فاصله ها برای ایجاد مثلث "تراکم ازدحام در دادگاه ها ، بیمارستان ها ، افزایش تورم و بیکاری " میشود که نام این مثلث را مثلث شوم نهادم (به مجموعه مقالات من در این مورد مراجعه شود) و برابر مدل های بازاریابی نوع سرمایه داری ظالمانه ، مشاوران و بازاریابان غربی به کشورهای شرقی و یا همایش های کشورهای مختلف هجوم آورده ، این مدل ها را تدریس یا القاء میکنند و مبالغه گزافی به جیب می زنند ، در چنین میدان نبردی (battle field) ، بازار اجتماعی (Society market) و بازار سفید (White market) یک توهم و یا یک شعار بیش نیست ، به مثلث های زیر نگاه کنید:

In such markets those it is growing rapidly, you see any cardboard sleepers who in these markets (even in developed countries) or they reach out their hands to you and they break up their esteem and greatness, the women how are selling her body and dissipate her sacrifice and inherent value, in these markets there are thousands of delicatessen, restaurant, Hotel and cabaret that some people are eating those who with go-between and these horrible markets, it is expensive to make goods of the people and those who do not have a fifth income from these plunders, for many years, you cannot eat your favorite food with your family in these restaurants at all, therefore, the market is making problems, making rancor, revenge and so on , Use these spaces to create triangle "Congestion in Courts, hospitals, Increasing inflation and unemployment" I called the triangle a ill luck triangle(refer to my articles about this matter) and according to this marketing models of the kind of outrageous capitalism, western consultants and marketers to eastern countries and conferences , these models are taught or induced and pocketed a lot of money so , in like battle field , an illusion or a slogan not except Society market or white market, see to Ablow triangles:(Fugger 1):

شکل یک (Figure 1)

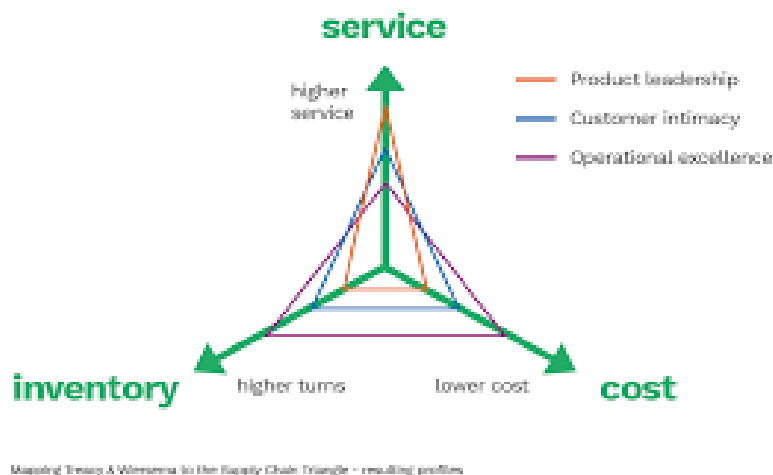


مثالت(آموزش ، تحقیق ونوآوری" کلمات زبینه ای است ، اما چه کسی وبا نیتی وقصدی؟، با چه محتوایی و... به آموزش این مثلث می پردازد ، آیا برای رقیب کُشی است ، مثل شیر وپلنگ که بفکر توسعه قلمروی خود دربیابان وحش هستند ، ماکیاولی عمل میکند وبه موضوعاتی مثل رحم وانصاف وانسانیت را کاری ندارند حتی به بهینه پاراتو هم (که از نظر من باطل است) توجه ای ندارند ، لذا در عصری زیست میکنیم که حرف های زیبا می زنند(حرف حق میزنند ولی مراد باطل دارند!)، مانکن های هم مشتریان را خیره میکنند ولی در نهان این کلمات زیبا ، حيله ها ودست آویز های فراوانی نهفته است وان موقع این واقعیت را درمی یابی که چنان کلاه گشادی سرت گذاشته اند که روبرویت را نیز نمی بینی ! ، مثلث زیر که معنی ومفهوم سخن مرا بهتر نمایان می کند(شکل 2)، وارد محتوا وتکنیک میشود ، مثلث" خدمات برتر ، موجودی کالا، هزینه " است ، یعنی از یک طرف تولید انبوه (Mass production) است ، شرکت تعاونی نیست ، متعلق به یک لرد است، یک کارتل تشکیل داده است وبا تولید انبوه ، قیمت شکنی میکند وتولید کننده خرده پا قدرت مقابله با او را ندارد ، حالا یک ضلع این مثلث بالاترین خدمات(Highest Services) است بهر طریقی که میسور باشد کاری به حرام وحلال ندارد تا برسد به اینکه دیگران هم حقی دارند ، ضلع دیگرش موجودی (Inventory) که باید بالاترین گردش (Higher turnover) را داشته باشد وضلع سوم آن بایدپائین ترین هزینه (Lowest cost) را داشته باشد ، من که دانش بازار دارم ویک استراتژیست کهنه کار هستم ، در مثلث رهبری تولید (Product Leadership)- مثلث قرمز ، اگر شیطان به چلد من رسوخ کند ، بهترین مشاور برای این آدم بد جنس وچپاول گر هستم ، یک طرح میدهم از انبار کمپانی بزرگ به انبار های خانه های مردم (from big company's warehouse to people, home-stores)، بقیه اش را تا تکمیل چپاول گری ، شیطان بزرگ بمن درس میدهد ، فقط باید دین ، وجدان وحتى عقل سلیم را کنار بگذارم که کمک کنم به چپاول گری سرمایه داری مسلط جهانی، رنگ مثلث آبی زیر به عنوان مشتری (Customer Intricacy) است که مربوط به نژاد های گوناگون است واضلاع آن چیست؟ در متن رساله آمده است ومثلث بنفش به عنوان برتری عملیاتی (Operational excellence) است که اضلاع آن در متن رساله آمده است وبهمین ترتیب به صدها مثلث سلطه (Triangle Sovereignty) در منابع ومراجع آنها آشنا شدم وآنها را با قواعد دانش مفید که حق وحقوق شهروندی را به حقیقت رعایت کند واز نصیحت گوئی (که نیم کردار نیست - سعدی) وشعار دادن های بیهوده پرهیز میکند ، دراین رساله آمده است وعواقب سرمایه داری غرب را با براهین کافی مورد تدقیق وتعمیق قرار گرفته وآینده شوم آنها بخاطر ایجاد فاصله های درآمدی و70 در صد فقر جهانی (که 50 میلیون نفر گرسنه آن در آمریکا هستند) بعنوان نتایج این ظلم عظیم مسطور شده است (وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ - آیه 54 ، سوره آل عمران) .

It is suitable the triangle" training, research and innovation" But who is the intentional aim? , by what contents? And so on, will pay by what teaching? Is it for rivalry? Such as lion and leopard, who think of developing their realm in wildlife? Machiavelli acts and they do not do things like mercy and sincerity, even the optimal Paratoo (which, in my opinion, is null and void) is not relevant, so we live in an age that speech beautiful (Letters are right but they are falsehood!), Mannequins are also staring the customers, but in hidden beautiful speeches, it is latent many trick and Hands on hand and at that time he realized that you have a wide hat that you cannot see! The second triangle show us better concept (figure 2), gets enter content and techniques, triangle is "superior service, inventory, cost", it means mass production on the one hand, not a cooperative company

owned by a lord, it has formed a cartel and mass production, Breaking the price and the petty producer does not have the power to deal with him, now the side of this triangle is the highest service, the other side has the highest turnover and third side by Lowest cost!, I have who I am market knowledge, I am an old strategist, In the triangle leading the red market, if Satan penetrates into my inner , I am the best consulting for these plundering men , I'm giving a plan as” from big company’s warehouse to people, home-stores” The rest of it to complete the plunder, the satas teach me! , I just have to leave religion, conscience, and even common sense, which I help to global overrunning capitalism, the color triangle blue depends to customer intricacy that is relevant to verities origins and what is it? It has come in the Thesises content, And purple triangle is as operational excellence Its sides have come in the Thesises content and so I know to hundreds of trivialities of domination triangles Sovereignly in many references and I adapted them by UKRT and has come in this Thesis and the consequences of Western capitalism I have set With enough proof in deeply and I remembered their bad luck future in income gap and 70% poverty in the world (50 million people are hungry in the United States) As a result of this great tyranny(And the disbelievers planned, but Allah planned. And Allah is the best of planners. Verse 54, Sura al-Emeran).

شکل دو (Figure 2)



https://en.wikipedia.org/wiki/Knowledge_triangle

مثلت های مدل های بازاریابی ، اقتصاد ، سیاست و غیره سرمایه داری غرب این گونه ساختارهای غیر عادلانه را با سرعتی بیش از روند سرعتی اتومبیل ها ، قطارها و هواپیما ها ، گسترش و توسعه یافته و همین طور که در متن اصلی رساله در یکی از اکادمی های معتبر ارائه خواهد شد(انشاء الله تعالی) ، دچار مصائب روزافزونی شده که امروز در جهان آشکار شده است و در این آشوب خود ساخته ، جریان

تکوینی ربطی به کشوری ، یا شخص خاصی ندارد ، با اعمال کشورها وجوامع بشری سروکار دارد (**برای تبرئه خود بدنبال نشان دادن مقصر خیالی نباشید!**) که همین هم عذر بدتر از گناه است و سرمایه داری دیگر قادر نخواهند بود به رفع فقر کمک موثری بکنند ، بیماری ها را کاهش داده و یا فاصله درآمدی مردم را برای برابری قدرت خرید (Purchasing power parity -PPP) عادلانه و حقوق معیشتی (livelihood Right) اصلاح نمایند ، برای اینکه نظم حقیقی که از این جریان آشوب ایجاد شده ، مثل سونامی عمل میکند و با نظام اعتباری و یا نسبی قدرت های مدعی در جهان ، ارزیابی انطباقی (Conformity Assessment) ندارد و خود مسیرهای عدالت گستری را به نفع فقیران و بینوایان تنظیم میکند و شما قادر نیستید مدل ها و الگوریتم های طراحی کنید که امور خودتان را با این جریان توفنده (The crashing current) منطبق کنید و این موضوع به بیداری خاصی نیاز دارد که این مولف ، شاهد وقوع چنین بیداری در جامعه مرفه از قبیل کارتل ها (Cartels)، تراستها(Trusts) بورژواها (Bourgeois) نیستم

The triangles of marketing, economy, policy and other in capitalism is increased so fast in the world more than speed of rail, air plan and satellite and Has suffered an increasing passion that has become apparent today in the world, and in this chaos self-made, the genesis currents have nothing to do with a country or a particular person, dealing of many activities from countries and many bodies(**Do not imagine your perpetrator to justify your acquittal!**) same excuse is worse than sin and capitalism will not be able to make an effective contribution to poverty alleviation, reduced illness and change the income gap of the people for Purchasing power parity –PPP, Right livelihood and else, for the true order created by this turbulent flow, it works like a tsunami and does not have an adaptive evaluation by the system of credit or relative power in the world and It sets out the paths of justice for the benefit of the poverty and the poor, You cannot design any model and algorithm for salving of these challenges in the crashing currents and this will require a special awakening that this author I do not witness the occurrence of such an awakening Cartels, Trusts and Bourgeois are in the world.

redmarkets.com/what-is-a-red-market

Red Markets: (noun) any economic system or economy that trades primarily in human flesh or human beings. Buying and selling human bodies is...

https://en.wikipedia.org/wiki/Red_Marke

[The Rise of the Red Market – Foreign Policy](#)

May 30, 2011 – Argument. The Rise of the Red Market. How the best intentions of the medical community accidentally created an international organ-trafficking...

من می‌خواهم در این رساله ثابت کنم ، که قرمزی گیتی در حال حاضر منحصر به قرمزی و خونین بودن بازار های فعلی نیست و طبق مثلث (علیت تراکمی ، حقیقی بودن دیتا ، لزوم مفسر خیره) ، کلیه فرضیه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فناوری و غیره که از مدل های غیر یقینی (Uncertain models) تبعیت میکند ، از حیث انتفاع (it is not fit for fit) ساقط شده و حتی بسیاری از ساختارهای به ظاهر مقوم سیاست های حکمرانی را از اثر انداخته است ، نظیر تفکیک قوا (Separation of powers) که با هم پوشانی های نهانی و آشکار در نظر و عمل ، از خواصی که منتسکیو بر شمرده است ، منتفی گشته و برای اصلاح امور فوق و مداوای درد ها و مصائب موجود جهان ، کارآمدی موثر خود را از دست داده است (موضوع عدول عملی و واقعی از تفکیک قوا در رساله جداگانه ای در حال انجام است – مولف) و این موضوع منحصر بیک کشور ، حزبی خاص ، قومی یا مذهبی بخصوص نمی باشد ، بستگی به دامنه رها شدگی ، بی عدالتی ، درآمدهای نامشروع ، خود بسندگی و نظایر اینها است که آنقدر شیوع و وسعت پیدا کرده که جزء با جریانهای فر انقلابی و با تقدیر های غیر مترقبه و یا غیر عادی قابل علاج نیست که هر کدام در جای خودش ، باعث تعجب ، شگفتی و تحیر ملل شده و میشود و نوع بیداری امروزه هم که عده ای از اندیشمندان و محققین جهان را مشغول کرده و قلم فرسائی میکنند ، مثال های یقینی از وقوع چنین حوادثی است ، دنبال مقصر صوری و انتزاع ذهنی و یا خود را به حاشیه زدن (Don't go around the bush) نیاندازید ، این بازی ها که در سیاست متداول شده است بیشتر حيله است تا اینکه نام تدبیر (policy) به آن اطلاق شود.

I want to prove this treatise that's redness is not only about red market in this present time, and according to triangle” accumulative causality, the truth of the data, the need for an expert interpreter “all Hypothesis about economy, policy, society, technology and so on, those it follows from Uncertain models it is not fit for fit at all and even From the effect many proof structures in government in the world like “Separation of powers” That hidden overlapping together in theory into practice (TIP) , of the properties listed by Montesquieu to cease to exist and for the correction of the above affairs and for the pain of the present and the world , Has lost its effective efficiency (The issue of the practical and practical disadvantage of separation of powers , In a separate dissertation is underway - the author), and this subject is not unique into country , party , Ethnic or religious specially, depending on the extent of the abandonment, Injustice, Illegal Income, It's Self-esteem of these things, Which has become so prevalent that except with transcendental revolutions , accidental events or unusual cannot be cured that Each in its place, It

surprises, surprises and loses nations and the kind of awakening that is today, thinking of intellectuals and researchers busy in the world, it is the certain examples about this matter, so, do not look for the blame and subjectivist and don't go around the bush, these games, which are commonly used in politics, are more tricky, as long as the name of the term is policy to it.

گردونه زمین (carousel Earth) در حال حاضر با مصائب و آسیب های خاصی درگیر شده است که در طول تاریخ زیست بشری، هیچگاه دوچار چنین مصائب دردناکی با این حجم و وسعت نبوده است، جمعیتی را که کره زمین بر گزده خود حمل میکند، تاکنون با این مقیاس وجود نداشته است، تعداد کل انسان هایی که تاکنون بر روی زمین زیست کرده اند، ۸۰ میلیارد نفر برآورد شده است، که حدود ده در صد آن، هم اکنون در کره زمین زیست میکنند، جمعیت مردم در سال 1000 میلادی حدود 310 میلیون نفر بوده است (ویکی پدیا آزاد) که با رشد 22 درصد در چین، 17 درصد در هند، 4.6 درصد در آمریکا و... و کمترین آن یعنی 1.2 درصد در ایران به چنین حجمی رسیده است، اگر قرار باشد، سنجش و مقیاسی برای خیر و شر (کهن ترین واژگان اعتقادی در روی زمین در اقوام مختلف) ابداع شود، سنگینی گنهکاران تبه کار در پهنه زمین در قیاس با سنگینی جسمانی 80 میلیارد انسان تا کنون به مثابه کوه هیمالیا در مقابل ارزن است، در موضوع خیر و شر که با مثلث "حق، باطل، مبارزه" همواره هم جوشی داشته است، غیر از ادیان معتبر و جهان شمول جهان که از خیر و شر سخن رانده و رسولانی برای تمیز این دو امر مهم مامور شده اند و یا فیلسوفانی که در پی کشف حقیقت بوده و در این رهگذر تحقیق، به ضرورت شناسی پرداخته و مثلث "حق، ضرورت، ایجاب" را بنا نهادند و از طرف غرب متهم به فیلسوفان ایده آیده آلیست (idealist) شدند، علم و دانش بشری که اکنون دایر مدار سیاست گذاری ها، اقتصاد، مدیریت و فناوری و سایر حوزه های نظری و عملی میباشد، مسکوت بوده و کاری به خیر و شر امور ندارند و این اصل اساسی را کنار گذاشتند.

The carousel earth has involved by especial susceptibility now that throughout human history, there has never been such painful misfortunes in this volume and scope, the crowd that the planet carries on its pollen, So far, this scale has not existed, the total number of people who have ever lived on Earth, 80 billion people estimated, about 10% of it is now living on Earth, the number of people have lived in year 1000 A.D. were 310 million people (wiki podia free), Which is up 22 percent in China, 17% in India, 4.6 percent in the US,..... The lowest is 1.2 percent in Iran, it is arrived to this population (near 8 B), if it is supposed, get Measure for good and evil (ancientness belief words inside the earth in different tribes), the heinous gunmen in the earth, so far, as the Himalayan Mountain is against millet, compared to the physical weight of 80 billion people, In the case of a with a good and evil triangle "right, false, fight" they are always had fusion, other than the

authentic religions and the world of the world or philosophers who sought to discover the truth, The triangle established the "right, necessity, affirmation" they were accused by philosophers of the idealistic idea of the West!, the human sciences are now the mainstream of policy making, economy, management and technology and other scopes of (T & S) are silent and There is no good thing and they do not care about this, and they abandoned this fundamental principle.

با ایجاد مکتب فرانکفورت (Frankfurt School) و ایده پوزیتیویسم (The idea of positivism) که طرفداری سرمایه داری پیشرفته و اقتصادگرایی (economism) و اثبات گرایی (positivism) سرلوحه فعالیت های اعضای آن شده است و افرادی نظیر کارل پوپر (Karl Popper) و رودلف کارناب (Rudolph Karnab) که هستی جهان را در قالبهای حسی-ابطالی (Sensory-falsehood) و تحدید حدود (Delimitation) به حبس کشیدند ، بطوریکه کارناب در فصل دوم کتاب خود بنام فلسفه علم (Philosophy of Science) به صراحت میگوید " هستی شناسی و چرایی (Ontology and why) " را کنار بگذارید ، ما با فکت های فیزیکی (physical facts) سروکار داریم و واقعیت (reality) را بجای حقیقت و صدق (Truth) معنا میکند (مراجعه به تفاوت حقیقت و واقعیت در انتهای ای مقدمه – مولف) و به هر گونه مبانی و منطق و دست آورد های فلسفی و علمی بشر از سقراط تا کنون ، لگد زده است و این ذخیره تاریخی را به کنار گذاشته است و ساحت علم و دانش را از سطح استعلائی خود به عوام پرستی بسیطی کشانده و کفایت علمی را در حد محسوسات بسنده نموده است و ریاضیات را که از علوم مجرد است ، با آمارهای چنین بازارهای قرمز و احتمالات و طاس انداختن (Dice) از کفایت قطعی فروانداخته است و چه پول های گزافی بصورت دلار از مردم شرق گرفته اند و توقع اخذ حق توحش را هم داشتند! ، مولف میگوید: "حالا بکشید از این بساطت که راه انداختید و این آشوب را با بهای جان تحمّل کنید، و از آب خونین نیل در عصر فرعونى خود بنوشید" ، مثلث " هامان ، فرعون ، قارون " در تورات و قرآن ذکر شده است .

By creating of Frankfurt School and the idea of positivism that advocate of capitalism, economism and positivism that it is activities have been headed of them And people like that Karl Popper and Rudolph Karnab are the world's imprisoned like falsehood-Sensory and Delimitation, as the Craneab says in his book "Philosophy of Science "explicitly:" leave aside ontology and why, We handle by physical facts" he means reality instead truth (References to the difference between the truth and the truth. End of this Introduction – Author) and he kicked to any basics and rationale, achievements of humam,s sciences and philosophies from Socrates so far and it has left the historical reserve and the scope of his knowledge from his transcendental level has led to widespread popularism and the sufficiency of science is sufficiently sensible and Maths that incorporeal of science, with the statistics of such red markets and probabilities and dice, it has fallen viciously,

what's the enormity money take from the Eastern people and they also had the right to take savagery right ! Author says:” Now, pull it out so much and stop this chaos at the expense of life and drink from the blood of Neal in your Pharaonic era”, The triangle "Haman, Pharaoh, Qaroon" is mentioned in Quran and Mosaic Law.

<https://rasekhoon.net/article/show/1294207/مسأله-ي-هامان-در-قرآن>

ژاکوب وینر (Jacob Weiner) میگوید: " آنگاه که بتوانید اندازه گیری کنید و در قالب عدد بیان کنید ، معرفت شما باز هم **ناکافی** است و رضایت بخش نیست " فصل ششم از کتاب روش در علوم اجتماعی از آندرو سایر (Andrew Sayer) ، معرفت موضوع به مثلث " علیت تراکمی ، حقیقی بودن آمار ، مفسر حقیقی " منوط میشود ، چون در عالم مجردات ، که با نسبیت و اعتبارات ذهنی و بازی ریاضیات رابطه ای ندارد و از استقلال برخوردار است ، شما باید به زبان علت و معلول آشنا باشید و نظام های محدود و بسته و دیوار کشیده شما ، نه در نظریه کفایت میکند و نه در تجربه به شما معرفت می بخشد و هرگونه الگوریتم سازی با مجردات نظیر ریاضی ، همان پیش فرض هائی است که در نتیجه ملاحظه میکنید که قصد آنرا داشتید ، مثل یک مشاور بازاریابی ، یا آینده نگر ، یا طبیبی که جراح است ، برای کسب پول ، از آمار ، اعداد ، و فروضی استفاده میکند که مشتری را قانع کرده و یک بازار پر رونق ، یک آینده نوید بخش ، و یک دست طلائی را گراف سازی نموده و نمایش دهد ، ریاضی و مهارت های اعتباری و شهرت افراد این قصد را منعکس میکند و حقه و حق کشی ، لباس صدق را رونمایی میکند ، چند صباحی میگذرد و کذب آن آشکار میشود که کار از کار گذشته است نه بازار پر رونقی بوده ، نه آینده نوید بخشی بوده و نه دست طلائی در کار بوده است ، این گونه مجردات ، آدم محدود العقل و محدود المعرفت را رسوا میکند ، چون همه اینها با مثلث " تکلیف ، حقوق ، صدق " کار نکردند و در کار مسئولیت خود صداقت نداشتند ، فقط دکان داری کردند و نقدینگی متعلق به مردم را چپاول کرده و به دلار تبدیل کرده اند.

Jacob Weiner said:” once you can measure it and express the number in the form, your knowledge is still **inadequate and unfair** “the sixth chapter in book of society method from Andrew Sayer, The knowledge of the subject is to triangle” compact causality, true statistics, true interpreter “because in the world of singles, which does not relate to the relativity of subjective and mathematical mathematics and it has independence, you Shoud know whit cause and effect literature, and your limited systems , not enough in theory and it does not tell you in the experience and any algorithms with abbreviations like math, the same assumptions that you see as a result which you intend to do, you did not work with the "**duties, rights, truth**" triangle” at all, and They were not honest in their responsibility, Just shopping , liquidity has plundered from people and have changed to dollars.

در متن این رساله اقوال زیادی از دانشمندان ، محققین و کاشفان به حق آورده شده و این فریختگان خیره در شرق و غرب ، مدافع راستین در رد اثبات گرایی (positivism) و پایمال کردن حقوق انسانی و طبیعی انسان و کره زمین میباشند ، در رساله خرچنگ (lobster) از این مولف آمده است که چگونه برای بدست آوردن ثروت بهر

شکل و رویه ، حتی داروهای سرطان را درست کرده و با سهواً داروهای تولید میکند که مشتریان وفادار (Loyal customers) را برای بیمارستان ها و دستگاه قضات تشکیل دهند.

In the text of this treatise has a lot promises from scholars, researchers and discovers in truly and these cursed scribes in the East and west are the true defender is in rejection of positivism and trampled the right of people, nature and earth, In the crab treatise, from this author comes, how to get wealth in a better way, they even make carcinogens and or inadvertently produces drugs that created Loyal customers for hospitals and courts.

The truth behind the 'foods that cause cancer' headlines – Which? <https://t.co/GdxRiNHAFf> Yakov Koltovskoy (@KoltovskoyYakov) June 30, 2018-

<https://af.sputniknews.com/.../201807082470826-کدام-دارو-ها-ایجاد->

در دو مقاله سوغات غرب (West Souvenirs) از این مولف (www.elmefofid.com) موارد زیادی از این دست آمده است ، که یکی از آنها سوء استفاده از مهندسی ژنتیک (Genetic Engineering) است ، کدو تنبل یک کیلوئی را تبدیل کردند به کدوتنبل 850 کیلوئی ، شاید برای مسابقه و رکورد شکنی در بازار های مگاره وحیرت مردم از این جنّه بزرگ که با جرثقیل جابجا میشود ، یک تفریح تلقی شود ولی خوردن آنرا نمی تواند تجویز کرد ، همین طور گاوی شیر ده ای را که سه تنی و بیشتر از این دانش تولید میکنند ، که بجای 50 لیتر شیر ، 150 لیتر شیر بدهد و گوشت بدنش سه برابر و بیشتر شود و سایر تراریختگی هائی که در کشاورزی و صنایع مربوطه متداول شده است که زندگی طبیعی انسان ها تهدید جدی میکند و به طبیعت لطمه میزند ، این گونه آب در شیر کردن و این میوه ها و هندوانه های گنده تولید کردن ، از طریق جریان های تکوینی ، به سیل ، سونامی ، نابود شدن باغات و غیره تبدیل میشود که در سال های اخیر روبره افزایش گذاشته است ، کسی نمی تواند با حق کشی و انسان کشی و طبیعت کشی از چنگال عدل الهی فرار کند (داستان های اینگونه عدل گستری در قرآن و ادیان الهی آمده است ، وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ – آیه 54 ، سوره آل عمران).

In the two articles of West Souvenirs from this author (www.elmemofid.com) there are a lot of things to do; one of them is Abuse of genetic engineering.....

تکنولوژی با تمام طمطراق خودش که خیل نوآوران و نوپایان (Start-ups) را بدنبال خود میکشاند با نوع استفاده و زیاده خواهی و کسب منافع به هر طریق ممکن ، قسمت زیادی از لایه اوزن (ozone layer) را پاره کرده و از خاصیت بازدارندگی پرتوهای فوق بنفش (rays of Fra-violet) درمانده است و بدهکاری بیش از 70 تریلیون دلار کشوری صنعتی بدهکار ، امکان قبول هزینه ترمیم آنرا نمی دهد و پیمان آب و هوایی پاریس در پرسه زدن بسر میبرد ، ولی خورشید به کار ذاتی و موثر خود مشغول است و از تابش خود به زمین دریغی ندارد ، نحوه استفاده مربوط به ابداعات است که خداوند متعال با حکم مقام خلیفه اللّهی ، انسان را برای تسخیر و استفاده بهینه از این منابع و سایر منابع سرشار خدادادی تکلیف کرده است و اگر در استفاده از این منابع تخطی صورت گیرد ، تقصیر خورشید نیست ، لذا تابش این خورشید ، کره زمین را گرم کرده ، یخ اقطاب را ذوب کرده و آب های ذوب شده سواحل کشور های درحاشیه اقیانوس را از آن خودش میکند (بدون جنگ و خون ریزی!) و بخارات متصاعد شده از پهنه وسیع اقیانوس ها و تغییراتی که بموجب علیت تراکمی (Cumulative causation) منجر به تغییر اکوسیستم ها و آب و هوایی زمین شده که در

گزارشات متعددی مورد تاکید قرار گرفته که به دلایل مختلف، جهان آمادگی کافی برای مقابله با این تغییرات به ویژه مسئله گرم شدن زمین را ندارد، جریان مقدر را به پیش میبرد، آیا هنوز فرصت هایی باقی مانده است؟!

Technology with all its grandiloquence that draws innovators and startup for themselves, with type of use and excitement and benefits in any way possible, a large part of the ozone layer was torn and the deterrent is helpless rays of Fra-violet, and more than 70 trillion dollars' worth of dept. countries, it is not possible to accept the cost of repairing it, The weather Paris agreement is roaming, but the sun is busy with its intrinsic and effective work and it does not hurt his radiation, how about suing of sun depends to innovations that Allah Almighty with the decree of the Khalifa Allah which has given it to human can use from these resources and other sources of God-given wealth optimally ,

he.srbiau.ac.ir/article_8959_bb9010bc043fcb0825a5baa9669a8cd

من در این رساله و سایر رسالاتی که در دست تهیه دارم ، با کمک مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) به اصلاح ، ریزش ، رویش و ابداع مثلث های دانش مفید پرداختم که برای آموزش در مراکز علمی ، رشته های تحصیلی دانش مفید و کارکرد های فراوان اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ضروری است ، مقدرات بر اسال علیت تراکمی (Caustic causality) ، مثلث " تکوینی ، تشریحی و ابداعی " عمل میکنند ، تصادفی در کار نیست ، سرنوشت های محتوم را رقم می زنند ، برای اینکه جهان هستی از کلان تا خرد با هوشمندی تام و کامل (perfectly) بکار خود مشغول است (رساله هوشمندی عالم از این مولف) ، هر محصولی بر حسب سنخیت بین علت و معلول به ذات خود رجعت میکند و در نهایت از عدل و تعادل هستی داستان راستان خلق میکند ، این ها قوانین هستی هستند ، نه اراجیفی (False rumour) که مکتب اثبات گرایی بنا نهاده است که از بیخ و بن غلط اندر غلط است و پنجره آن برای هر کس قابل گشایش نیست .

I am writing in this treatise and other references that I have in mind, by helping of UKRM, I pay attention to reform, down flow, grow and invention many triangles of useful knowledge, which is necessary for teaching in universities as faculty of Education about UKRM and lot of functional activities in social, economic, politic and culral courses, destinies on causal causality as triangle "genesis, religious, innovation "will be done, is no accident at work, the probable time made/figured out my fate/destiny ,because the universe is full of intelligence, from macro to wisdom(Treatise on the wisdom of the universe from this author),.....

ما با قوانین ثبت و مستمر حاکی از حق و حقیقت روبرو هستیم (درضمیمه این مقدمه آمده است) ، و این با واقعیت (Reality)، هر محصولی یک واقعیت شرّ و یا خیر است که تصدیق (Acknowledgment) شود و سنخیت ذاتی خود را به نفع بشر و طبیعت به محصول منتقل کند ، این ها قانون ، قاعده و مقررات است که به آگوریتم ها ، مدل ها و رویه ها در می آید و مثلث های حقیقی از این شالوده پاک و سرشت حق ، خلق میشود ، ما در این رساله میگوئیم ، که روح انسان که نفخه ای (whiff) از روح الهی است و بقای دائمی دارد ، درک خاصی از حق و حقیقت دارد و کذب شناس است و برای همین است ، هر کس می داند که چکاره است؟ (Everyone knows that it is who having occupation?) با هر لباسی که ظاهر شود در نزد حکیم و عارف شناخته شده است (چنانچه تولستوی گفت: آنکه اول پیش ما می آید به لباسش ارزیابی میکنیم و وقتی میرود ، به سخنانش- مولف) .

مخالفت افراد با یکدیگر ، بمعنی مخالفت با اصل و اساس و قوانین حق و حقیقت نیست ، این امری است مجرد که با جرثومه فساد میل اشتراک ، اتصال و ازدواج ندارد ، به همان چکاره بودن آنها مربوط است ، اگر شما این قاعده را یاد بگیرید ، تا آخر عمر تضمین میشوید و گر نه از مشتریان وفادار دستگاه قضائی ، بیمارستان ها خواهید شد، این درسی است که باید از کودکی به فرزندان آموخت ، به پدر و مادرها آموخت و به معلمین ذریب آموخت ، دانش مفید گوهر نابی است که حکمت را به شما می آموزد ، که نه ظلم کنی و با ظالم هم دست شوی و نه ظلم ببینی ، مثلثی که برای آموزش میسازی ، مثلثی از حق و حقیقت نیاندازند که بعداً در Z و Y ، X است ، برای همین است که عصر ما بیداری حق و حقیقت است ، به گردن دادگاه معلوم میشود که چکاره هستند! ، دچار بیمارستان میشوند و ایست قلبی میگیرند و هکذا ، این مثلث ها از زمان سقراط تا کنون ترسیم شده است و بنا به تعریف علم تصدیق پیدا کرده است.

فقر 70 در صد مردم جهان ربطی به قضا و قدر ندارد ، با حکمرانی ناعادلانه ارتباط دارد که میداند چکاره است ، مثلث ساز است ، با کسینوس ، سینوس ، تانژانت و کوتانژانت ، به خورد ملت میدهد ، بیچاره ریاضی و مثلثات بچه روزی افتاده است ، همانطور که دانش هسته ای (Nuclear knowledge) ، توسط اوپنهایمر آمریکائی (American Julius Robert Oppenheimer) از انیشتن دزدیده شد و در آمریکا به دو بمب هستی بزرگ و کوچک برای نابودی دوشهر هیروشیما و کانازاکی ژاپن بکار رفت که هنوز زخم ناشی از حمله اتمی پایان نیافته است ، انیشتن با افسوس تمام گفت : کاش من یک کفاش بودم – مولف ، اینست مرز انسانیت وحشی گری ، وحشی های مدرنیسم ، انسان کشی میکنند و نژاد سرخ ، زرد و سیاه را (حتی سفید را) میکشند و صهیونیسم جهانی با قانون تلمود (Talmudism law) هر گونه حق بردگی ، تجاوزات ناموسی ، سرزمینی ، و قتل و غارت را برای خودش مجاز کرده است .

قرن 20 و 21 و بالاخص روزگار ما ، که شاهد یمن ، فلسطین ، سوریه ، ونزوئلا ، سودان ، فرانسه ، انگستان و غیره هستیم و به تدریج به این لیست مقدر اضافه خواهد شد ! از این مثلث ها بدبختی گرفته است ، آمریکا داعش را با همین تجزیه و تحلیل های خلق میکند و چون به حق و حقیقت فهم ندارد و جزء حمقا (foolishness) است ، تمام پل های پشت سرش را تخریب میکند و حتی فرصت فرار و پیدای کردن

پناگاهی نیست ، بدبخت افراد کوتاه فهمی و ظالمی مثل صدام و قذافی که پناهگاه هم نیافتند ، توی اولین لوله و مجرای فاضلابی که در جوار کاخ اشان بوده است پناه بردند و مشاهده کنندگان ، آنها لو (betray) دادند ، کارناب که هیچ چیز از این معارف را نمی فهمد ، سخنرانی میکند و به دماغش باد (Nose breeze) می افکند و میگوید " این چراها را رها کنید ، این گونه هستی شناسی بدر ما نمی خورد- مولف) ، آنچه فیلسوفان حقیقت خواه آنرا ضروری دانستند ، وسالها مثلث "سلب ، ایجاب و حقوق" را خالق کردند ، چون از سوی جمهور توحش فهم نشد ، نتیجه اش همین است که مشاهده میکنید ، شب دراز است ، صبح که طلوع کند ، بقیه اش را میبینی! .

از مراتب حسّی ، قوانین مکانیک و فیزیک که ابزاری برای تحقق حقوق ملت ها است ، اخلاق منبعث نمی شود ، اخلاق حرفه ای ، اخلاق علمی ، اخلاق مثلثی ، اخلاق نرم افزاری و سخت افزاری ، یک حرف بی ربط است ، املاهای غلط است ، در دانش مفید محلی جایگاهی ندارد ، اندیشمند باید از توحش آزاد گردد ، درگیر جبر و تفویض بی مورد نشود ، طبیعت و مذهب را تیکه تیکه نکند و به تفکیک مذاهب نپردازد ، خیلی از آیات الهی ، انسان را مورد خطاب میدهد (ایها الانسان ، ایهاالانسان و...ندا میدهد) حق را محترم می شمارد و خداوند متعال خود را صاحب حق و ضامن برقراری آن اعلام فرموده است " آگاه باشید که انسان جایز الخطایا است ، فراموشکار است ، اهل غفلت است ، ولی راه رهایی از این دخمه های مرگ بار وجود دارد ، هی نگوئید شمارا در سه دقیقه میلیونر میکنیم ، چند ساعته میلیاردر میکنیم ، چند هفته ای تری یونر میکنیم و از این موشک ها در شبکه های اجتماعی پرتاب میکنید، شما که مشتری لاینفک و وفادار هستید ، حالا میخواهید شریک جرم درست کنید و یا عده ای ساده لوح را قربانی کنید نگاه کنید به مردم دنیا چگونه بیدار شده و فوج فوج راهی میدان حق علیه باطل هستند، عبرت بگیرید (ادا جاء نصرالله بالفتح ورايت الانسان یدخلون فی دین الله افواجا ...) بعد نگوئید ما خواب بودیم بیدار شوید که عصر بیداری و فقه القریب و وصول کلید طلایی نزدیک است .

Top 10 Differences between Truth and Reality

Published on May 28, 2015 •

[Jack Nargundkar](#)

Following

Senior B2B/B2G Marketing & Communications Executive

[39 articles](#)

Like34 •

Comment14 •

28 | Page

Mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man
www.elmemofid.com , mahmoudsaneipour@gmail.com , +98-912-119 5673

Share •

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white. #in

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“*Keeping it real*,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It’s almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It’s why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, “Top 10 Differences between Truth and Reality:”

1. Truth is absolute, Reality is cognitive.

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts.

If we simply substitute “reality” for opinion and “truth” for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

2. Truth hurts Reality bites.

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company’s ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company’s revenue stream.

3. Truth is singular, Reality is manifold.

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

4. Truth is objective, Reality is subjective.

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the

business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company's operations.

5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company's various functional groups begins to fade.

6. Truth emancipates, Reality constrains.

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

7. Truth redeems, Reality informs.

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

8. Truth comes from the heart, Reality follows from the head.

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

10. Truth is always real, Reality is not always true.

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from *The Bhagavad Gita*: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed

In the name of God

حدیث کلمه یا معرفت کلام (قصه رقص کلمات)

Insight of the “word” or insight of the “speech” (tales dance of words)

این داستان با آهنگی که تعیین میکنم اجراء شود (دریک تناترمناسب)

This novel be executed whit a song that I defined it (into a suitable opera)

نویسنده و اجراء کننده : محمود صانعی پور

Writer and executor: Mahmoud Saneipour



Mahmoud Saneipour

(I asked “word” what you are?) از "کلمه" سوال کردم چی هستی؟

(It replied me: “Satan “ ("کلمه" جواب داد: شیطان

با اعتراض گفتم : نه نه ، تو چیز دیگری هستی ، راستش را بگو

I said protestingly: “no, no, you are another thing, tell it honestly”

“ کلمه ” اول خیلی خندید وبعد خیلی گریه کرد وبعد اشک هایش پاک کرد وگفت :من معرفت هستم ، بصیرت هستم ، یاد گیری هستم ، آموزش هستم ، دانش هستم ، شناخت هستم ، خرد هستم، معنا هستم ، حقیقت هستم ونظیر اینها

“Word” laughed and laughed firstly and then cried and cried, next, it wiped its tears and said: “I am insight, learned, educated, knowledge, being acquainted, wisdom, meaning, truth and like these”

گفتم : راست میگی ، راست میگی وبعد زدم زیر گریه ، خیلی گریه کردم وگفتم عجب دنیائی داریم!!

“You are right, you are right” I said, and then I cried and cried, “What a world we have”! I said

لحظه ای نگذشت که دیدم ، یکی دیگر در کنار کلمه قرار گرفت ، با چهره ای زیبا مثل کلمه ، هر دو زیبا و جذاب بودند.

An instant later, I saw, another was at it side, a pretty face like “word” both of them were beautiful and attractively.

از شادی فریاد کشیدم ، وه چه عالی ! واز دیدن این دو موجود زیبا سیر نمی شدم!

I shouted for joy, “oh how great!” And I was not enough for seeing these two beautiful creatures!

از مهمان تازه وارد سوال کردم ، تو کی هستی ؟جواب داد من " کلام " هستم

Who are you? , I ask from guest newcomer, it replied me: “I am speech “

سوال کردم یعنی چه؟

“What does it mean?” I ask

گفت: من سخن هستم ، جدال هستم ، بحث هستم ، مذاکره هستم ، طعنه هستم ، مهربانی هستم ، محبت هستم ، حقیقت هستم وبی شمار صفات دیگر

“I am conversation, speaking, talking, discussion, argument, negotiation, taunting, kindness, affection, truth and countless other traits” it said

گفتم : خیلی عجیب هستی !، چقدر متضاد هستی !،از تو عجیب تر در دنیا سراغ ندارم !

You are so strange! How are conflicting!" I don't know of clue stranger than you in the world!" I said

بمن گفت: "با من بحث نکن ، جدل نکن ، من یک آهنگ بیشتر نیستم ، جوهر وجود من از کلمات است ، و آوای من از خنجره و دهان این آدم ها که از فطرتشان حرف میزنند"

"Don't discuss with me, don't argue with me, I am not a symphony more, the essence of my existence is from "words" and my a song is from dagger and mouth of people, the singer , also the song either " , it said me

گفتم : "آها ، بلی ، دارم کم کم میفهم ، یعنی این آدم هستند که تو را خلق میکنند؟"

"Aha, yes, I began to understand, this means that these people are creating you?" I said

گفت: " موضوع دقیق تری وجود دارد خوب توجه کن، تونمیتوانی هر کسی را مقصر کنی !!!"

"Good Note, there is a more accurate, you cannot anyone has guilt!!!" it said

گفتم : "گیج شدم ، بگذار بفهم"

"I got confused, let me understand" I said

کلمه به سخن آمد و گفت : من ریشه کلام هستم و کلام از من قوام میگیرد

Word spoke: "I am the root of speech and speech takes consistency from me"

کلمه ادامه داد: من حرف های بی معنی را با هم جمع کرده معنا دار میکنم ، اسم هر چیز از من ساخته میشود ، مصدر فعل از من ساخته میشود ، کلمه بندی از ناحیه من است ، لغت نامه از من ساخته میشود ، کودک اول از من آغاز میکند ، تمام اشیاء جهان هستی از من نشانه دارد ، بدون من تلفظی ندارند! ولی همه اینها حقیقت هستند و گناهی ندارند ، شاید روزی شاهد شوند!!

Word continued: "I am gathering all letters those no having meaning together and then get meaning them, it's gonna be built noun of everything, the infinitive of verb built from me, wording is from me, dictionary is built from me, a child starts from me firstly, all objects of the universe having signs from me, no, they don't have articulation without me!, but all of them are truth and not guilty , perhaps Once they will be witnesses "

با خودم زمزمه کردم : خوشبختی و بد بختی !!!

I whispered to myself: “weal and woe “!!!

در این موقع ، کلام شروع به سخن کرد وگفت: "من خیلی عجیب تر از کلمه هستم ، هزاران کلمه را در استخدام دارم که آنها برای من میرقصند و من با آهنگ هایم که بی شمارند ، سرود سر میدهم ، من اقیانوس بی کرانی هستم که قطرات زیبای آن کلمات است "

At this time, speech began to speak out and said:” I am so much stranger than I word, I have thousands words in the employ of my own those are dancing for me and I sing a song by myself cadences that numerous, I am endless ocean that their drops beautiful are words”

فریاد زد: ” غواصش کیست ؟ غواصش کیست؟ که بتواند چنین اقیانوسی را غواصی کند!!!”

I Shouted: “Who is driver? Who is driver? That such an ocean dive!!”

هردوی آنها خندیدند.

Both of them laughed.

در این موقع "کلمه" به حرف آمد وگفت : "کلام راست میگوید ، او رئیس من است ، اگر او نباشد ، من هم رقص نخواهم کرد ، وادامه داد او رئیس من است ، رئیس من است ، اگر کسی " کلام حق " را فهمید معنا حق را از مفردات من درک میکند و آنگاه است که " کلمه " حامل بالاترین ارزش ها مثل نام خدا ، نام پیامبران ، اسماء فرشتگان ، دوستی ها ، وحدت ها و هرچه خوبی برای انسانهاست که خمیر مایه همه خوبیها یک جا جمع است و آن حق ، حقیقت و عدالت است ، پس غواص این اقیانوس، انسان خدائی است ، که گوهرهای رحمت خدا را صید میکند”

At this time, word spoke and said: “speech is right; it is my boss, if it does not, I will not dance “and it continued: “it is my boss, my boss, if anyone understands “word of right “he will understands that meaning of right from my simple substances and then is that “word” carrier highest values like: God (Allah), the name of prophets, the name of angles, friendships, Unities, or anything good for humans That leaven all are into a good place that is the right , Truth and Justice, then the ocean diver who is that of God's mercy is catching the gems”

کلام گفت: " من هستم که به کلمات مفهوم میبخشم ، کلمه بخودی خود معنا میشود و با آغاز گری من ، این معناها بهم پیوند میخورند و مفاهیم درست میشوند و هرکس از کلام یا سخن من باندازه فهم خودش ، صاحب معنا و مفهوم میشود ، من سرود کلمه ام ، من بزم آرای کلمات هستم ، اول در زبان کودک کلمه مستقر میشود و بعد آهنگ را از من می آموزد ، اسم ، فعل، صفت و هرگونه قیدی ، از کلمه لباس خلعت می پوشد

ولی این من هستم که مایه یک سخنور هستم ، او است که با سخن پردازی ، سخن آرائی ، سخن چینی ، سخن آفرینی ، سخنذانی و سخنرانی ، ساز مرا کوک میکند و با آهنگ الهی و یا شیطانی ، تخم دوستی و یا دشمنی ، سعادت یا شقاوت در قلب انسان ها میکارد."

Speech said:" I'm that give concept to worlds, word per se that is and by started me, these meanings connected together and create concepts are and everybody be owner meaning and concepts from my speech enough to understand himself, I am word's hymn , I am Party ideas of words , word sets based on child's tongue then he/she learned song from me , noun ,verb, adjective and any adverbial things wears clothes the robe of honour , but I am the ferment for a speaker , he is that prepares my musical voices divine or Satan with oratory ,eloquence, tale-bearing ,creator of speech ,mastery of words and lecture Sows in the hearts of men the seed of friendship or foe , Prosperity or adversity".

من گفتم : "این یک آوازه است ، آدم ها برای معروف شدن سخن آرائی میکنند!"

"This is fame, people eloquence for Popularity!" I said

کلمه گفت: "اشکالی ندارد ، بلاخره یک سخنران مشهور میشود ، انسان ها ی خوب هم مشهور میشوند و آدم های بد هم مشهور میشوند ، اگر یک نفر بخواهد با کلام خود از من (کلمات) برای تفرقه ، آتش افروزی ، قتل و غارت ، مطامع دنیوی و بدیهای دنیا استفاده کند ، از دست من کاری ساخته نیست ، من تصویری ندارم ، همه چیز دست گوینده است ، ولی وقتی گوینده برای سعادت بشر سخنرانی میکند ، من در حال شادی و خنده هستم و وقتی کسی با نیت ناپاک و قصد چپاول گری و ستم کاری سخن میگوید ، من در حال غم و گریه هستم و باید بگویم که همه اشیاء اطراف من ، همین حالت را دارند ولی فقط انسانهای حقیقت طلب و حق گو هستند که این رازها را مشاهده میکنند و بقیه کور هستند اگر چه با چشمان خیره به سخنگو نگاه می کنند"

"No problem, a lecturer becomes famous finally, good men or bad men become famous both of them, if one wants to use from any word for concision, incendiary, killing, worldly interests and the evils of the world, and I cannot do anything, I do not blame, everything speaker's hand but when Voiceover speaks for human well-being, I'm still joy and laughter and when a man speakswith foul intentions and going to work tyranny ravaged, I'm still sad cry and I must say that all objects around me have the same , but only humans are actually asking the right interview those can see the mysteries and the rest are blind although they watch with staring eyes to speaker" word said

با شادی گفتم: " شما دو تا جوهر موجودات زنده وبا هوش هستيد ،اينک کلمات پيش چشم من ميرقصند ،
ولی من هنوز نگاشتی روشن از انسان شیطانی و خدائی در ذهن ندارم"

“You two natures are living beings with intelligence, behold now, words are dancing before my eyes, but I still do not mind a clear mapping the divine man and evil man “I said whit happiness

در این موقع "کلام " به سخن آمد وگفت: "من هم چاره ای ندارم ، این گوینده است که بار گناهان ویا ثواب ها را با خود حمل میکند ، هر کس می تواند با توانا شدن در اقسام تلفظ و قدرت لفاظی مرا بخودش مقید کند ، نه "کلمه" فی ذاته مسئولیت دارد ونه "کلام " ما برای این مقصد خلق شدیم که آدم ها آزمون شوند ، هیچ موجودی مثل ما دوتا آزادیست ، ولی اگر ما نبودیم ، حق وباطل از نهان خانه قلوب خوب یا بد انسان ها از طریق خنجره ،دهان وزبان آشکار نمیشد ، من به گوینده قدرت میدهم که چگونه با الفاظ که از کلمات انتخاب میکند ، نیات ومقاصد خودرا به گوش مردم برساند ، ما دوتا فی نفسه حقیقت هستیم ، وبا انسان که او نیز یک حقیقت دیگر است ، می آمیزیم ، و درراهی که پیامبران از طریق جریان حقیقی که خداوند متعال معین کرده است ، نقش بازی کنیم ، البته همه موجودات دراین راه هوشمند هستند ونقش آنها نیز اینگونه است وجزء انسان ها، اختیاری جز آنچه خداوند برای آنها مقدر کرده است ، ندارند بنابراین انسان ها برای هر سخنی و رفتاری آزاد نیستند ودر مورد هر سخن و رفتاری مسئولیت دارد ، دراستفاده از همه موجودات زمین وآسمان با احکامی که مقرر شده است ، مسئولیت دارد ،ولی ما شاهد هستیم بر زبان ، نگاه ، رفتار وهمه کارهای او در مواقعی که خداوند متعال بما ماموریت خاص میدهد!! "

At this time, speech spoke out and saying:” I have no choice; the speaker is who it carries Sins and rewards himself, anyone can I bind himself be able in diversity pronunciations and by power as rhetorician, not “word” has responsibility and not “speech “we created for the way of human’s test, no creature free like us two, but if we were not discovered right and false from the secret home of good or bad human’s hearts on the way of dagger, mouth and tongue, I will give power to the speaker selects how to terms from words to listen to its people its purposes and objectives, we us two are truth it-self get mixed by human who it is another truth too and play many roles into true current it determined from exalted God(Allah) , off course , all existences are intelligent in this way and their role it is also and apart from humans not have authority except what Allah has ordained for them , therefore , Human beings are not free to every speech and behavioral actions and in regarding to all speeches and behavioral actions has responsible , but we are witness on tongue , looking, behaviors and it’s all actions when exalted God (Allah) gives us a specific mission!!!”

سوال کردم : این ماموریت خاص چیست؟

I ask: "what is this specific mission?"

کلام پاسخ داد: "همه اشیاء عالم وجود در زمین و آسمانها از جانب خداوند متعال ماموریت دارند، که بر حسب فرمان او، عمل کنند، کلام گفت: ماموریت این است که حق را به قلب های سلیم وارد کنم، اگر چه دشمن انسان دارد از من استفاده میکند، اینرا باید بدانی که تنها ابزار رساندن کلام از راه خنجره و دهان و زبان نیست، برای همین است که معنی کلمه بمعنی چیزی نپنهان هست که از پنهان خبر میدهد (تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد)، حروف کلمه میسازند و الفاظ (یا مترادف آن که برای معنی های دیگری هستند مثل نوع تلفظ؛ اصطلاح و یا حالت بیان مطلب) با کمک کلمات بیاری کلام می آید و سخن گو و یا هر ابزار و دستگاه دیگر، آن را منتشر میکند، بنابراین کل هستی از کلمات ساخته شده است که معارف پنهان این هستی را نشان میدهد و فراوانی و چگالی آن معرف اندازه علم و معرفت است و میتواند به صور گوناگون از طریق اشیاء مختلف به راهنمایی و آزمون انسان بپردازد و ما با درون انسانها، از طریق مختلف در ارتباط هستیم، ما بنا به ماموریت از جانب ذات هستی که بنیانگذار این هستی است، ایفای نقش میکنیم، تا کسانی از نعمت بینائی، شنوائی و غیره محروم هستند از کار این جریان هستی باز نمانند."

Speech replied:" All objects of the universe their mission from God in the sky and in the earth, which according to his command act" next speech said:" Mission is that we bring righteous matter into peaceable hearts of people, although he be an enemy of human, It, you should know that isn't the only means of getting the word via dagger, mouth and tongue and That's why the meaning of "word" is cache the hidden announced (for example: until the man is not saying, he hidden his art and defect), letters makes word and a synonym is a word or expression which means the same as another word or expression, pronunciations help to speech and speaker or any tools and another system get publishes it, therefore, all existences have made from "words" these are shows that hidden educations and Frequency or density of these educations are represents the size of the science and knowledge those are huge guidenesses for humankind and we are related by inner of humans via diversity ways, we have mission about this matter of the universe who is founder of the universe, those who deprived from gift of sight, hearing and so on, till they do not stop of caravan related to process of current-being"

در حالی که قلبم به شدت میطپید، گفتم: "پس سکوت چی، مسئله سکوت بعضی آدم ها چیست؟"

While my heart is extremely palpitated, I said:" so what's silence, what some people's silence of anyone?"

هر دوی آنها آه سردی کشیدند! و کلام گفت: "هر آدم احمقی خیلی حرف میزند ولی بیهوده و آدم های خردمند، برای جمع خرد مندان زبان به سخن می گشایند و گرنه ساکت هستند و با هوشیاری شاهد و ناظر اوضاع جهان میباشند، چون سخنان او را فقط اهل حقیقت می فهمند، تا روزی که پروانه های عاشق در گراگرد شمع های سوزان و اشک ریزان حق و حقیقت، جان به جان آفرین تسلیم میکنند و سونامی و آشوب قیام میکنند تا نابودکنند آنچه نباید باشد، این سکوت و حشمتناک میشکند و خردمند آغاز به سخن خواهد کرد، چرا که آتشی زیر خاکستر خواهد ماند و هر آرامش مستانه قبل از طوفان است و معلوم میشود که ظلم و تعدی در جهان امروز پایدار نخواهد بود"

Both of which were cold Ah! And speech said:" any foolish man very talks but vain and wise men get open tongue to speech for total wises and they be otherwise silent but they are seeing and witness the world's situations whit alertness, because its speech understand the true people only until the day that butterflies lowers are surrendering their lives to its creator around burning and tearful candles for right and truthfulness then their rebellion as tsunami and attraction's chaos will destroy what shouldn't be ,so, this terrible silence breaks and wise begun will speak, because a fire under the ashes will be ever and the calm before the storm is intoxicated and will be defined that not sustainable injustice and encroachment in the world at present age"

من گفتم: " سخن حق برای من روشن نشد، بیشتر راهنمایی کن "

"The truth speech was not clear to me, more guides"

کلمه گفت: "سراسر این نظام هستی از کلمات است که بخش کوچکی از کلمات آفریده خداوند متعال است و هرگاه دانش انسان افزایش یابد، فراوانی این کلمات بیشتر میشود، ولی ما بدنبال آن هستیم که جوهر و حقیقت کلمه با قلبت، با عقلت، با جانت، با ضمیر باطنت، با حُسن نیت ات، با قصد خیریت و نظایر اینها پیوند بخورد، آنگاه از کلمه و کلام درک هائی میکنی که خیر خواه مردم جهان شوی، این همان سخن حق است و شک نکن که حق و حقیقت را بر میتابد و مفید بحال همه مردم است و ما در پرتوی این حقیقت ماموریت داریم و با حقیقت می توانیم انسان ها به مقام اعلاء برسانیم و یا آنها را رسوای خاص و عام کنیم، اینست قدرت شنوائی، بینائی و سخنوری جهان هستی و جهان رها شده و عبث نیست!"

"Over of this universe are as words, that is a small portion of words those it has created whit exalted Allah (God) and if a man of knowledge increases so, will increase density of words, but we're looking for that be grafted these truth speech whit your heart, with mind, spirit, your Good willing, With the your blessing intention and such these, then understood by you from words and speeches be benevolent people of the world labeling , this that truth speech identically no doubt

be right to the truth shines and be usefulness unto all people and We have in light of the fact mission and with truth can we the position of humanity's honorable position and or expose them to become especial and publicly disgraced , this is the power of hearing, dramatics translates vision of the universe and the world not unbound and vain !!!'

من سوال کردم: "به چی تعلق دارید؟"

I ask them: "What belongs to you?"

کلام گفت: "ما همه به جریان حقیقی هستی در کائنات وبه جریان تکوینی در طبیعتی که برایمان تدارک شده است تعلق داریم و همه ما با زبان تکوینی سخن میگوئیم ، ما میتوانیم معرفت خود را به آنجا برسانیم که در مقابل هیچ شیئی ، حالت بی عقلی ، کوری ، کوری و گنگی نداشته باشیم ، سراسر جهان صدای حق است ولی کدام گوش میشنود ، برای آدم کور دل ، دنیا پرست ، ظالم و خود پسند ، جهان صامت است ، چرا که او محرم راز نیست ، در نظام تکوینی و نظام احسن ، حتی کلمه شیطان نیز از کلمات مقدس است و خیر و برکت دارد ، تا "شیطان" نباشد و وسوسه نکند ، جهاد اکبری نخواهد بود ، شهیدی بوجود نیاید و کمال و سعادت نصیب انسان نمی شود ، همانطور که "رنج " و "کار و تلاش " و هزاران کلمات و کلام دیگر ، مایه سعادت بشر هستند تا تو چه باشی ، خدائی یا شیطانی !، این انتخاب ما است و این آزمون ما"

“We all belong to truth current of life in the universe and bringing into existence's current that nature has been provided to us and we all speak whit bringing into existence's language, we can raise our knowledge because that we don't have State of lack of wisdom, blindness, deafness and dumbness In contrast, no object , the sound is right around the world but what the ear hears, so, the world is silent for the blind heart, worldly-minded, ruthless self-friendly no doubt , Because he isn't confidant, in the best system of bringing into existence even the word of Satan is sacred and there have benefit and blessing, till "Satan" is not be and it doesn't satanic temptation so, the greater jihad will not be at all, any martre isn't expressed and giving of prosperity is not human perfection never, as "suffering" and "work effort" and thousands of words and other speeches be Cause of human happiness, till what you be? Divinity or satanic! This is our choice and this is our test!!!” speech said.